

بامشپاری واتحاد، برای مقابله باتوطئه جدید امریکا آمادہ باشيم

جنگ عظیم بر سر «گروگانها» برپا شده است. رینگان و کارتر و ماسکی و سخنگویان کنسفرید و پنتاگون و انواع و اقسام مفسران رادیوها و تلویزیونها و همه خبرگزاریهای غرب، همه باهم، یکبارہ فریاد برآوردند که شرایط ایران برای آزادی «گروگانها» شرایطی است «غیرمنطقی»، مخالف با «شرافت ملی» آمریکا، خارج از اختیارات و امکانات کنسفرید، «واجب خواهی» غیرقابل قبول، ناسازگار با «هدفهای اصلی آمریکا» است. اشک تمساح است که سیل آسا برای «گروگانها» از حسان و قبح ترین و جنایتکارترین نمایندگان امپریالیسم خونخوار آمریکا سرازیر میشود. برای امریکایی «مظلوم» جاردای نموده است جز اینکه «اقدامات قطع تری» انجام دهد و بنا به «پیشنهاد پدر یک گروگان!» به مداخله نظامی علیه جمهوری اسلامی «ظام» ایران، بپردازد.

نظری به مجموع عملیات اخیر امریکا و عمالتن در خارج ایران و توجهی به تحریکات و جوسازی ضدانقلابی، که باز در داخل کشور در روزهای اخیر شدت گرفته، تردیدی باقی نمی گذارد که ما مجددا در آستانه اجرای اقدام تازه ای از جانب امریکا برای شکستن انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته ایم. تهاجم نظامی ناگهانی صدام، ششمین توطئه امریکا برای درهم شکستن انقلاب ما و بازپس گرفتن ایران بود. این توطئه، که بنا به محاسبات دقیق (!) دستگاه دولتی امریکا می بایست از ۴،۳ روز تا حداکثر یک هفته جمهوری اسلامی ایران را از پای درآورد، با شکست روبرو شد. اینک امریکا معجلا در کار تدارک توطئه دیگری است، تا به هدف جنایتکارانه خود برسد.

بقیه در صفحه ۷

مردم در راهپیمائی دیروز شعار می دادند:

مرگ بر آمریکا، مرگ بر ریگان

● مردم شعار می دادند:
تفرقه وجدائی، سلاح آمریکائی

حفظ نشریات حزب توده ایران فقط بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است

نشریات حزب توده ایران با پیگیری و سرسختی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده اند و دفاع خواهند کرد

(درباره اظهارات آقای ابوالقاسم صادق، معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد اسلامی درباره نشریات حزب توده ایران)

۳ رفیق توده ای را در تبریز فورا آزاد کنید!

خطر صدور حکم اعدام برای دو نفر از اعضای
حزب توده ایران در تبریز وجود دارد

اطلاعات رسیده دوفتر از آن ها در خطر اعدام قرار دارند. براساس گزارش خبرنگار نامه «مردم» در تبریز رفقا خالد قریشی (مسئول سازمان حزب توده ایران در بوکان)، عبدالله کردپور (از مسئولان حزب در بوکان) و کریم توراتی (مسئول سازمان جوانان توده ایران در بوکان) بدون هیچگونه دلیلی در نزدیکی میانسودآب دستگیر و به تبریز برده شده اند. اطلاعات بعدی خبرنگار ما نشان می دهد که برای دوفتر از این افراد احتمال صدور حکم اعدام می رود. بقیه در صفحه ۷

۳ تن از اعضای حزب توده ایران چند روز پیش در راه بوکان - میندوآب دستگیر شدند و براساس

سال گذشته نشریات بسیاری در عرصه جامعه ما پدید آمدند و هر یک به شیوه و تفکر خاص خویش با انقلاب ایران روبرو شدند. برخی از آنها در هتیار ساختن مردم نسبت به توطئه های امپریالیسم امریکا تلاش کردند، طرحهای خائنه شیطان بزرگ و مزدوران داخلی آنها افشا کردند و با تمام قوا از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و رهبری انقلاب بقیه در صفحه ۲

آقای ابوالقاسم صادق معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد اسلامی در یک گفتگو با روزنامه کیهان (۱۰/۱۰/۵۹) به توضیح نظریات خویش پیرامون لایحه جدید مطبوعات پرداخته است. بیشک تدوین لایحه مطبوعات، که به تصویب مجلس شورای اسلامی نیز برسد و تسجارب انقلاب بزرگ ایران را طی دو سال گذشته زیر داشته باشد، امری سهم و ضرور است. طی دو

در ادامه جنگ خسارات زیادی به ارتش صدام حسین وارد آمد

محاصره کردند. بر اثر این اقدام بین نیروهای خودی و ضدانقلابیون درگیری ایجاد شد و تا ساعت ۴ بامداد روز گذشته (۵ دیماه) ادامه داشت. سرانجام ضدانقلابیون بقیه در صفحه ۷

سبز با یکی از واحدهای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران درگیری ایجاد کردند، که اجبارا واحد نظامی درگیر مجبور به رفع مزاحمت شده و تلفات و ضایعاتی به ضدانقلابیون وارد ساخته است. از میزان تلفات ضدانقلابیون اطلاعاتی در دست نیست و به نیروهای خودی تلفاتی وارد نشده است. ۲- ضدانقلابیون ساعت ۲۳ چپا، مدیماه یک پاسگاه ژاندارمری را در ۲۵ کیلومتری دیواندره

نبرد مدافعان انقلاب با تجاوزگران صدامی در چندروز گذشته نیز همچنان به شدت ادامه داشت. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه شماره ۳۴۹ خود، قسمتی از عملیات نیروهای انقلاب را بشرح زیر برشمرده و اوضاع جبهه ها در تاریخ ۴ دی ماه جاری را چنین اعلام کرده است: ۱- ساعت ۱۲:۳۰ پریریز ضدانقلابیون در پنج کیلومتری



گوشه ای از راهپیمائی عظیم دیروز. مردم شعار می دادند: رهبری خمینی، اساس وحدت ماست.

ساعت ۱۱ صبح سراسر میدان بزرگ را سیل جمعیت پوشانده بود، که تصاویر رهبر انقلاب را بقیه در صفحه ۴

هزاران نفر از مردم تهران در غیو شعارهای مذهبی و فریاد های «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر ریگان» به مناسبت روز اربعین راهپیمائی کردند.

مردم تهران صبح دیروز در حالیکه مردان و زنان کفن پوش پیشاپیش آنها حرکت می کردند، از ۶ نقطه تهران حرکت کردند و در حالیکه در شعارهای خود بار دیگر همبستگی خود را با رهبر انقلاب، برای دفاع از زمین انقلابی در برابر امپریالیسم امریکا و رژیم تجاوزکار صدام اعلام می داشتند، به جانب میدان امام حسین حرکت کردند.

پیام شاد باش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه بمناسبت شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست فرانسه

حزب کمونیست فرانسه روز ۸ دیماه امسال شصتمین سالگرد تاسیس خود را بزرگ میدارد. کمیته مرکزی حزب توده ایران به این مناسبت تلگرام شادباش زیر را به کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه مخابره کرد: کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه بفتای گرام! کمیته مرکزی حزب توده ایران شصتمین سالگرد بقیه در صفحه ۷

استقلال و آزادی

صفحه ۴

برخلاف سخنان رهبر انقلاب، امام جمعه تهران و دستور وزیر کشور: افغانی ها و رنجبری ها در تهران راهپیمائی کردند

دادند، صبح پریریز گروهی از افغانی های وابسته به حزب آمریکائی «حرکت اسلامی افغانستان»، به کمک مافوقیست های آمریکائی «رنجبر» در تهران دست به یک راهپیمائی تحریک آمیز زدند و در پایان به سفارت اتحاد

در شرایطی که امپریالیسم امریکا با ایجاد اغتشاش و درگیری در نقاط مختلف کشور، زمینه را برای اجرای توطئه هفتم خود علیه انقلاب ایران آماده میکند و رهبر انقلاب و دیگر مسئولان کشور در این باره هتدار

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست فرانسه

حزبی آبدیده در کوره نبردها، متکی به طبقه کارگر و وفادار به همبستگی

کمونیستهای فرانسوی امروز ۲۹ دسامبر (۸دی) شصتمین سال تاسیس حزب خود را جشن میگیرند. آنها بحق بخود میبالند که در این ۶۰ سال از میان خون و آتش، دشواریها و پیروزیها، راه گشاییها و اشتباهات، فرازا و نشیبها توانستهاند حزبی را آبدیده کنند که در صحنه سیاسی کشور فرانسه قادر است با کامیابی پنجه در پنجه انحصارات امپریالیستی و شرکتهای چندملیتی افکند و انواع فشارهای ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی را، تا آنجا که در توان دارد، بمدد طبقه کارگر پرافتخار فرانسه، خنثی کند و یکی از گردانهای موثر جنبش جهانی کمونیستی و کارگری بدل گردد.

کمونیستهای فرانسوی زایش حزب خویش را به پیدایش نور در دل شبی تاریک تشبیه می کنند. این شب در شهر «تور» در جریان کنفرانس حزب طبقه کارگر - در آن موقع هنوز سوسیالیست نامیده میشد پایان گرفت. در سالهای جنگ اول جهانی و پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، در مقابل جنبش کارگری و کمونیستی این وظیفه حیاتی قرار گرفت که صفوف خود را از اپورتونیسها پاک کند، سیاست و روشی انقلابی، که پیگیرانه در خدمت منافع طبقاتی زحمتکشان باشد، انتخاب کند و از دامهای همکاری طبقاتی، سازشکاری و تسلیم، که در برابرش گسترده میشد، حذر نماید. در فرانسه، پس از پنجاه بحثهای پرشور، که در تمام شعب حزب سوسیالیست، بدنال فراخوان انترناسیونال سوم در گرفت، و پس از ۵ روز مباحثات بسیار جدی و اصولی در کنفرانس «تور» بالاخره به پیشنهاد مبارز شپیر، مارسل کاشن، با اکثریتی عظیم، که بیش از سهچهارم نمایندگان حاضر در کنفرانس را دربر میگرفت، راهاصولی، پیگیر و انقلابی برگزیده شد و الحاق به انترناسیونال سوم، به رهبری لنین، تصویب گردید.

این سند تولدحزب کمونیست فرانسه بود، حزبی که میرفت تا در کوره رویدادها حساب خود را از فرمیس و سازش با بورژوازی جدا کند و در راه همبستگی بینالمللی زحمتکشان جهان، دفاع از سوسیالیسم و از نهضت آزادیبخش ملی، افتخارات عیدیه کسب کند و با توسل به انواع شیوههای مبارزه، از سازمان دادن نهضت مسلحانه مقاومت و کسب لقب پرافتخار «حزب شپیدان» گرفته، تا شرکت در پارلمان و در دولت، از توسل به عظیمترین اعتصابات راهپیماییها و میتینگها و جشنهای وسیع توده ای گرفته، تا رویارویی ایدئولوژیک با اندیشه پردازان بورژوازی امپریالیستی، از کوشش برای تشکیل جبهه واحد خلق گرفته، تا یافتن راههای همکاری با مسیحیون مترقی و زحمتکش، به سبب خود در غنی کردن گنجینه ثوریک و عملی فعالیت کمونیستها پیکو شد.

انترناسیونالیسم پرولتری، همبستگی بینالمللی زحمتکشان جهان، از وجوه مشخصه و بارز حزب برادر ما بوده است. در همان کنفرانس «تور» بانک پرشور هوشمین، نماینده شبه جزیره هندوچین، که آن زمان مستعمره فرانسه بود، طنین افکن شد، طنینی که شصتسال است خاموش نشده و همواره حزب کمونیست فرانسه را در نبرد علیه استعمار فرانسه و نواستعمار رهنمون شده است. در همان کنفرانس «تور» حضور تکان دهنده بانو کلارا تستکین، نماینده انترناسیونال سوم، که مخفیانه و علیرغم ممانعت دولت فرانسه به این کشور آمده بود، شالوده پیوندی را ریخت که با وجود همه جزر و مدها و طوفانهای حوادث در صحنه بینالمللی، قویتر و ریشه دارتر شده است. بانو کلارا تستکین، که در آبانگام ۶۳ساله بود و سالهای پر شمار زندان را پشت سر گذاشته و از فعالین بنام جنبش کارگری و انقلابی جهان بود، بهنگام تاسیس حزب کمونیست فرانسه، در جلسه کنفرانس، خطاب به نمایندگان گفت:

«شما در این لحظه تاریخ را نمی نویسید، شما تاریخ را میسازید». این وظیفه عظیم را کمونیستهای فرانسوی، با تکیه به نیروی لایزال توده زحمتکش بویژه کارگران آن کشور، به انجام میرسانند. ما توده ایها، که در این سالروز تاسیس حزب کمونیست فرانسه،

به رفقای همزم خویش شادباش میگوئیم، بیاد می آوریم سالهای سیاه حکومت وابسته شاه ملعون را که طی آنها، کمونیستهای فرانسوی از برجسته ترین مدافعان جنبش مردم ما بودند و همواره در رده اول مبارزه بینالمللی علیه نظام وابسته و استبدادی شاه ملعون قرار داشتند و همیشه بانک پرافتخار نمایندگان این حزب در اعتراض به جنایات شاه ملعون و در افشای سیاستهای ضد خلقی و ضد میهنی او در صحنه جهان، طنین رسائی داشته است. ما بیاد می آوریم همین دو سال اخیر و پس از انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی خود را، که حزب کمونیست فرانسه تقریباً یکه و تنها با موج عظیم تبلیغات دعوغ پر دانه بورژوازی فرانسه، اتهامات خیر گزاریها و جراید پر شمار فرانسوی مقابله میکرد و حقایق را درباره انقلاب ما، تا آنجا که می توانست، با اطلاع مردم فرانسه میرسانید. سیاست روشن این حزب نیز، مانند سایر گردانهای جنبش جهانی کارگری و کمونیستی نشان داد که دوستان واقعی انقلاب، و مردم انقلابی ما کیانند و چگونه با ما در یک صف مشترک در نبرد علیه امپریالیسم و توطئه های آن قرار دارند.

موفق باد نبرد دشوار، ولی پرافتخار کمونیستهای فرانسوی، و مبارک باد جشن شصتمین سال تاسیس حزب کمونیست فرانسه!

حفظ نشریات ...

بقیه از صفحه ۱

پشتیبانی کردند، راه بنمودند و از جهه بر حذر داشتند. اما پالکس، برخی از این نشریات، که گروهی از آنان مستقیماً توسط جاسوسان «سیا» هدایت میشدند، تا توانستند میان صفوف خلق تفرقه انداختند، با نشر اخبار دروغ کوشیدند تا مردم را نسبت به دوستان انقلاب ایران بدبین سازند، افکار را از خطر توطئه های شیطان بزرگ منحرف کنند و به پیشبرد توطئه های شوم وی یاری رسانند. برخی از این نشریات دیگر اکنون وجود ندارند و انقلاب آنها را از سر راه خویش برداشته است. اما هنوز گروهی از آنان به فعالیت مخرب خویش علیه انقلاب مشغولند. بنابراین، برای مقام مسئولی که درباره قانون جدید مطبوعات سخن میگوید و باید بر اساس تجربه تلخ، ولی پریار دوسال گذشته، درباره خط مشی مطبوعات سازمان سوم انقلاب بر طبق مصالح انقلاب اظهار نظر کند، میبایست این تجارب جدا مورد توجه قرار گیرد، آنهم زمانیکه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در آستانه تخوین هفتین توطئه امپریالیسم آمریکا قرار دارند و باز هم برخی نشریات، نه فقط کلمه ای در مورد توطئه های امپریالیسم آمریکا و شیوه های مقابله با آنها و ضرورت اتحاد خلق و نیروهای انقلابی علیه تلاشهای ضد انقلاب، سخن نمی گویند، بلکه خاک در چشم مردم می پاشند و به تفرجه جوئی دست میزنند.

اما در کمال تاسف و تعجب، آقای صادق حتی کلمه ای در مورد توطئه های امپریالیسم آمریکا که پس از پیروزی انقلاب ایران حتی یکدم نیز قطع نشده و هر توطئه آنان خطرناکتر و دهنشناکتر از توطئه پیشین به اجرا درآمده و ایشان نیز باید از آن بخوبی اطلاع داشته باشند سخن نمی گوید. او حتی کلمه ای در مورد نقش مطبوعات ضد انقلابی، که با سکوت در مورد توطئه های امپریالیسم آمریکا و منحرف کردن افکار مردم از خطر جدی امپریالیسم آمریکا، به امپریالیسم آمریکا یاری رسانیدند و اکنون نیز در همین جهت عمل میکنند، بر زبان نمی آورد، او ضرورت وحدت مطبوعات متعهد و انقلابی را برای افشای توطئه های امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی و هشیار ساختن مردم متذکر نمیشود، او تنها میگوید که «کمیسون رسیدگی به امتیازها»، باید «بتوانسد امتیاز نشریاتی را که برخلاف ادعاهای

اولیه شان قدم بر میدارند، لغو نماید». وی سپس متلاً «از حزب توده ایران» و ارگان مرکزیش «نامه مردم» نام میبرد، که کویا «بر خلاف ادعاهایشان عمل کرده اند»

دلیل آقای معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد ملی برای لغو امتیاز نامه «مردم» چیست؟ هیچ! شکفت انگیز و تاسفوار است، اما واقعیت دارد که آقای صادق بی آنکه بتواند هیچ ایراد قانونی (فانونی) که هنوز موجود است) بر کار حزب توده ایران و نشریات آن، که همگی منطبق بر قانون مطبوعات و با اجازه وزارت ارشاد اسلامی منتشر می شوند، وارد آورد، چنین خصمانه بر حزب توده ایران نه صداقت و صمیمیت خویش را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به اثبات رسانیده است، بتازد و باز بی هیچ دلیلی، اقتراری ۴۰ ساله «وابسته» را - که ساخته رژیم پهلوی است - در مورد آن تکرار کند؟

دلیل این برخورد غیر مسئولانه چیست؟ درست در شرایطی که امپریالیسم آمریکا توطئه هفتم خویش را برای نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به مرحله اجرا گذارده و دستهای مشکوکی در گوشه و کنار کشور تفرقه می برانند، صحبت از «لغو» امتیاز ارکان مرکزی حزب توده ایران، که همواره افشاکر توطئه های امپریالیسم آمریکا و مزدوران داخلی آن بوده است، بسود کیست؟

بیشک سخنان آقای صادق بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و بسود اتحاد نیروهای انقلابی علیه دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و در راس آن امپریالیسم آمریکا و وابستگان داخلی آن نیست. چنین سخنانی شایسته یک مقام مسئول جمهوری اسلامی ایران آیین نیست.

مقامی چون معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد اسلامی باید در جهت تقویت و حمایت از مطبوعات انقلابی و متعهد و علیه مطبوعات تفرقه افکن و ضد انقلابی گام بردارد و جان سخن بگوید و طوری عمل کند که ضد انقلاب نتواند از آن سوء استفاده کند. ما امیدواریم که آقای صادق در قضاوت خود درباره حزب توده ایران و نشریات آن، تجدیدنظر کنند، زیرا نشریات حزب توده ایران، بهشادت صفحات آن، با پیگیری و سرسختی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده اند و خواهند کرد. لذا حفظ این نشریات فقط بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

طبق قرارداد جدید اقتصادی بین دو کشور

اتحاد شوروی به افغانستان در راه کسب استقلال اقتصادی خود یاری می کند

اسناد همکاریهای جدید اقتصادی بین اتحاد شوروی و جمهوری دیمکراتیک افغانستان به امضاء رسید. طبق مندرجات این اسناد، اتحاد شوروی در ساختمان چندین واحد صنعتی و واحدهای تولیدی دیگر در افغانستان مشارکت خواهد کرد. همچنین این کشور در ساختمان یک خط انتقال برق، یک کارخانه سازنده ماشین آلات کشاورزی و نیز در بازسازی شبکه های آبیاری، افغانستان را یاری خواهد داد.

کارشناسان اتحاد شوروی در اکتشاف منابع گاز و استخراج نفت در شمال افغانستان، متخصصین افغانی را یاری می دهند و در تربیت کادر ملی به افغانستان انقلابی کمک می کنند. همچنین اتحاد شوروی چندین پارتی اتومبیل و

کالاهاى مصرفى بطور بلاعوض در اختیار دولت افغانستان قرار میدهد. از سوی دیگر، سلطان علی گشتمند، معاون نخست وزیر جمهوری دیمکراتیک افغانستان، که برای شرکت در دومین کنفرانس حزب کمونیست کوبا به هاوانا رفته بود، در سخنانی گفت: «ملت افغانستان قاطعانه توطئه های آمریکا، چین و پاکستان و ارتجاع جهانی را علیه انقلاب خود درهم می شکند».

وی افزود: «دشمنان انقلاب تلاش دارند که در ساختمان زندگی نوین افغانستان خرابکاری کنند و این تلاشها هر چند مشکلاتی بوجود می آورد، لیکن مردم افغانستان بر همه توطئه ها پیروز خواهند شد».

باید برای صلح بجنگیم

بقیه از صفحه ۱

باید برای بارش باران باید برای کل باید برای رشد بهاران باید برای غلغله اشیانه ها باید برای عید بجنگیم

باید برای خانه تو آشیان من باید برای میهن باید برای عشق بجنگیم باید برای کودک فردا باید برای دوست باید برای شادی، آزادی، باداد زیستن

باید برای صلح بجنگیم طارم سربلند - ۵۹۲۲۲

مردم آمریکا ...

بقیه از صفحه ۱

در دست داشت. هزاران پلاکارد در میدان موج میخورد، که در آنها مردم قهرمان تهران پشتیبانی خود را از روحانیت مبارز بهره بری امام خمینی اعلام کرده بودند. میدان بزرگ از طنین شعارها می لرزید:

- مرگ بر آمریکا!
- مرگ بر ریگان!
مردم همچنین شعار میدادند: - خمینی روح خدا، فرمانده کل قوا
- رهبری خمینی اساس وحدت ماست

در این مراسم جلال الدین فارسی سخنرانی کرد. او از جمله گفت: «یک راه دیگر برای حذف روحانیت این است که در برابر روحانیون انقلابی و متعهد، روحانی نمایانی تراشد و به خدمت خود بگیرند. قدرتهای استعماری برای اینکه بتوانند روحانیت مبارز را از بین ببرند روحانیت کلایی میسازند».

مردم همچنین شعار میدادند: - تفرقه و جدائی، سلاح آمریکائی!
بر اساس گزارش خبرنگاران نامه «مردم» از تبریز، شیراز، اصفهان، آبادان، رشت، مشهد، ردرس، زنجان و دیگر شهرهای کشور، مردم سراسر ایران در راهپیمایی های عظیم خود پشتیبانی خود را از روحانیت مبارز بهره بری امام خمینی اعلام کردند.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

افغانی ها ...

بقیه از صفحه ۱

تهران، در خطبه نماز جمعه ۵ دی گفت: «آمریکا از حمله صدام یوس شده است و در صدد حمله دیگری برآمده: ایجاد درگیرریسا و اغتشاشها».

امام جمعه تهران افزود: «دشمن اگر بتواند اغتشاش های داخلی بوجود بیاورد، چه در شهرها، در جاده ها و در روستاها، به موفقیت خود نزدیک شده».

امام جمعه تهران صریحاً گفت: «باید هرگس شورش، اغتشاش، درگیری و کوچک، یا مقدمات آنرا به وجود بیاورد، به اسلام و مسلمین و جمهوری و امام این امت خیانت کرده است».

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران هم درست در ارتباط با نقشه امپریالیسم آمریکا برای اغتشاش و درگیری، در دیدار روز ۴ دی با انجمن های اسلامی کسبه مشهد گفتند:

«امروز آنچه برای ما از همه چیز لازم تر است، آرامش است».

وزیر کشور هم برای جلوگیری از توطئه های دشمن، در اطلاعیه ای که روز جمعه ۵ دی منتشر شد، اعلام کرد: هرگونه راهپیمایی و تحصن و اعتصاب در این موقعیت حساس بفع دشمن است و به هیچ وجه قابل اغماض نیست».

وزیر کشور هرگونه راهپیمایی و تحصن و اعتصاب بدون کسب مجوز را ممنوع دانست. علیرغم سخنان رهبر انقلاب و امام جمعه تهران و برخلاف دستور وزیر کشور، صبح شنبه گروهی از افغانی های وابسته به حزب «حرکت اسلامی افغانستان»، که رهبر آمریکایی آن برهان الدین ربانی، تابستان امسال به دست بوس سادات رفته بود، در حالیکه توسط مأموریت های آمریکایی «رنجیر» سازمان داده شده بودند، از پل چوبی و تویخانه به حرکت درآمدند و درحالی که می کوشیدند با ایجاد درگیری، خیابانها را به اغتشاش بکنند، به راهپیمایی برداختند. پاسداران چندبار کوشیدند آنها را متوقف کنند، اما موفق نشدند و آنها براه خود ادامه دادند و خود را به سفارت اتحاد شوروی رسانند و داخل آن شدند. در این موقع پاسداران آنها را از سفارت بیرون کردند.

با آنچه که در آغاز یادآوری شد، نمیتوان تردید کرد که، با این عمل، «دشمن به موفقیت نزدیک شده».

در حالیکه کشور ما در وضعی بسر میرید که امپریالیسم آمریکا هر آن درصدد ایجاد تشنج و درگیری است و در شرایطی که وزارت کشور رسماً هرگونه راهپیمایی را ممنوع کرده است، انجام این راهپیمایی و کوشش برای ایجاد درگیری و اغتشاش، مستقیماً مطابق نقشه امپریالیسم آمریکا برای منحرف کردن ذهن مردم ایران از دشمن اصلی است. در حالیکه امروز آرامش برای ما لازم تر از همه چیز است، این راهپیمایی تحریک آمیز، که اقدامی است در جهت اغتشاش و درگیری، یک خیانت است، جزئی است از یک توطئه خطرناک براندازی، که آمریکا علیه انقلاب ما تدارک می بیند.

در این روزها به نظر می‌رسد که لازم است بار دیگر مسئله استقلال و مسئله آزادی، مفهوم هر یک از آنها، رابطه بین آنها، تشخیص عمده‌ترین آنها، تناسب نیرویی که برای کسب و تامین هر یک از آنها باید به کار رود را مطرح کنیم، تا "فرشته" آزادی، باکستردن پالهای زیبای خود، نتواند انتظار خلق انقلابی ما را از استقلال، که عمده‌ترین هدف انقلاب آزادیبخش ماست، چنان به خود جلب کند که فتوری در مبارزه قاطع و پیگیرانه خاطر استقلال رخ دهد، چون که در چنین صورتی، انقلاب پیروزمند ما در معرض خطری جدی قرار می‌گیرد، و چنانچه انقلاب ما دچار شکست گردد، دوباره نه فقط از استقلال بلکه از آزادی نیز، که دستاوردی عظیم و گرانبهاست، آری بر جای نخواهد ماند.

مفهوم استقلال

مفهوم استقلال روشن است و دشمن استقلال مانیز معلوم. مفهوم استقلال، یعنی رهایی از اسارت، یعنی عدم وابستگی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی نظامی، مالی، فرهنگی و تمام دیگر شئون زندگی، یعنی کسب امکان تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای آنها به سود ترقی همه‌جانبه مادی و معنوی خلق و کشور خودمان.

بدیهی است که این استقلال و مبارزه برای تحقق آن، به معنای کسبیدن به دور کشور نیست، به معنای منزوی کردن کشور نیست، به معنای قطع رابطه با همه دیگر کشورها نیست، ما در این دنیا زندگی می‌کنیم و کشور ما در این دنیا قرار گرفته‌است و بنابراین، رابطه ما با دیگر خلق‌ها و با دیگر کشورها، نه فقط امری است محتوم، بلکه ضروری است. ضرور برای این که ما بتوانیم نیازمندی‌های خود را در عرصه‌های مختلف برای رشد موزون کشور خود برآورده‌سازیم و در عوض نیازمندی‌های دیگران را در حدود امکانات خود مرتفع کنیم.

ولی در برقراری این مناسبات، اولاً ما خود باید راساً و فارغ از هرگونه نفوذ و یا فشار غرض‌آلودی، تصمیم بگیریم، و ثانیاً این مناسبات باید بر مبنای احترام بی‌خداست متقابل به حق حاکمیت ملی، بر مبنای برابری کامل حقوق و نفع متقابل عادلانه برقرار شود.

چنین است مفهوم استقلال. دشمن استقلال ما، و نه فقط ما، دشمن استقلال تمام خلق‌ها و کشورهای جهان نیز معلوم است. این دشمن، امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. امپریالیسم مرحله‌ای رشد سرمایه‌داری، مرحله سرمایه‌داری انحصارگر و در نتیجه مرحله حاداعلی غارتگری و بهره‌کشی از زحمتکشان "خودی" و حاداعلی آزمندی و حرص در جپاول ثروت طبیعی و دسترنج خلقهای دیگر، حاداعلی ستعگری و تجاوزگری، حاداعلی طفیلی‌گری مادی و فساد معنوی و اخلاقی است، و لذا این سرمایه‌داری امپریالیستی، بدون

غارتگری، سلطه جوئی، اسارت دیگر خلق‌ها، نظامیگری و تسخیر آفرینی و جنگ‌افروزی و جنگ طلبی نمی‌تواند به حیات رو به زوال و انحطاط خود، به زندگی بحران زده خود ادامه دهد. از بین کشورهای امپریالیستی، ایالات متحده آمریکا تواناترین آنها و لذا غارتگرترین و جنایتکارترین آنهاست، که به زاندارم بین‌المللی معروف شده، و به درستی معروف شده، زیرا این دولت غدار و هار و جهانخواه امپریالیستی، با گماستن دست نشاندگان فرمانبردار خود در راس حکومتها و یا مستقیماً با قوه قهریه همه جای دنیا را می‌خواهد زیر سلطه خود درآورد و همه را به زنجیر بکشد و همه را تا آخرین رمق بجاید. امپریالیسم دشمن خلق و کشور ماست، که ما با تجربه تلخ دوران حکومت دست‌نشانده استبداد رضا خانی به سرکردگی انگلستان، و سپس در دوران

حکومتی نوع فاشیستی نیز وجود دارد، منتها برای آن طبقه‌حاکمه‌ای که آزادیها را به انحصار خود درآورده و آنها را از دیگر طبقات سلب کرده است. در حکومت "آریسمه‌ری"، که یکی از حسن‌ترین حکومت‌های پلیسی - نظامی بود، نیز سرمایه‌داران بزرگ وابسته و بزرگ‌مالکان از حداکثر آزادی بهره‌مند بودند. آنها آزادانه زحمتکشان را با خشونت استثمار میکردند، آزادانه ثروت کشور را می‌چاپیدند، آزادانه به تنوع - آورترین و کثیف‌ترین نوع عیاشی‌های محله‌های بدنام اروپای غربی و آمریکا مشغول بودند، آزادانه مجلس قلابی، حزب قلابی، سندیکای قلابی، مطبوعات تباگو و دروغ‌پرداز، تبلیغات مبتذل ضد کمونیستی به راه می‌انداختند. در آن کشورهای سرمایه‌داری، که حکومت‌های به اصطلاح دمکراتیک دارند نیز، البته نه به این خشونت و فضاخت، ولی در

سیاسی، مدنی و الا آخر. آنگاه که در کشوری آزادی‌های دمکراتیک و تامین حقوق دمکراتیک (و نه فقط اعلام آنها) توأم گردید، آنگاه می‌توان گفت که در آن کشور نظام "دمکراتیک" وجود دارد، "دمکراسی" وجود دارد. و این دمکراسی طبعاً وقتی تحقق پذیر است که حکومت در دست خلق زحمتکش باشد، نه طبقه سرمایه‌داری بهره‌کشی. و این دمکراسی وقتی کامل و همه‌گیر است که حاکمه منقسم به طبقات بهره‌کشی و بهره‌ده نباشد، طبقات بهره‌کشی از بین رفته باشند، یعنی بهره‌کشی نباشد. (از اینجا بعد میتوان به توضیح دمکراسی سوسیالیستی دمکراسی در کشورهای سوسیالیستی پرداخت، که چون موضوع بحث مان نیست، آنرا به فرصت دیگری موکول میکنیم). اینک که مفهوم استقلال و مفهوم آزادی‌های دمکراتیک و حقوق دمکراتیک و دمکراسی تا حدودی روشن شد، بسیم

استقلال و آزادی

محتوا و اهداف انقلاب بزرگ ایران ما، که با قیام یکبارجه خلق قهرمان ما انجام گرفته، کدامینند، تا بتوانیم به مطالبی که در آغاز مقال مطرح کردیم، بپردازیم.

محتوای انقلاب بزرگ و شکوهمند ایران و جنبه اصلی نبرد برای دسترسی به اهداف آن

انقلاب بزرگ و شکوهمند کشور ما، که در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷، به رهبری امام خمینی، با جهش انبساطی خلق انجام گرفت و رژیم دست‌نشانده سفاک شاه ملعون را وازگون ساخت، دارای محتوای ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی بود، یعنی هدفش تامین استقلال کشور، تامین آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک تامین زمینه نوسازی کشور به سود خلق زحمتکش بود و هست. وازگون ساختن رژیم چاکم استبداد مطلقه، که به درستی نخستین مرحله پیروزی ارزیابی شد، در واقع شکست‌سدی بود برای دسترسی به هدف اصلی انقلاب، یعنی ایجاد امکان برای انجام "انقلابی بزرگ تراز انقلاب اول" برای کندن ریشه نفوذ اسارتگر امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، برای دسترسی به استقلال. پس در ارزیابی اولویت هدف‌هایی که انقلاب باید به آنها برسد، باید استقلال را هدف اول آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک را هدف دوم، نوسازی کشور به سود زحمتکشان را هدف سوم بدانیم. البته این نحوه شماره‌گذاری اولویت‌ها، به این معنی نیست که ما باید اول استقلال را بدست آوریم، سپس آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک را تامین کنیم و پس از آن بپردازیم به نوسازی کشور. مبارزه برای دسترسی به این هر سه هدف، جدا از یکدیگر نیست، توأم با یکدیگر است و باید باشد. زیرا آن‌ها مقوی یکدیگرند. به سخن دیگر، اگر مبارزه در راه رسیدن به هر یک از اهداف سه‌گانه ست و یا ناپیگیر شود، به مبارزه در راه دوهفد دیگر نیز لطمه می‌زند. در عین حال، این مطالب اساسی و گرهمی را باید متوجه بود که، در این مبارزه انقلابی برای دسترسی به هر سه هدف، عمده‌قوایا باید در جنبه نبرد اصلی - جنبه نبرد ضد - امپریالیستی، جنبه نبرد برای کسب استقلال است، زیرا دشمن اصلی انقلاب و خلق و کشور ما، امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، است. و ما اگر در این جنبه اصلی شکست بخوریم، هم دوباره استقلال خود را از دست می‌دهیم و زیر سلطه امپریالیسم قرار می‌گیریم، هم آزادی‌ها و حقوق دمکراتیکی که برای خلق کسب کرده‌ایم، بر باد می‌رود و هم بدیهی است که کمترین امکانی برای

هر حال این آزادی‌ها به کمک اهرم‌های قدرت حاکمه و دستگاه عظیم تبلیغاتی و پلیسی و قضایی و سیستم انتخاباتی و غیره، عملاً مورد بهره‌برداری طبقه حاکمه‌است و برای طبقات محکوم در عمل و با شیوه "بریدن سر با پنجه"، آزادی به حدی محدود و منته می‌شود که به "گاو و گوسفند" طبقه حاکمه‌گزندی بنیادین وارد نیاید. تازه همین آزادی محدود را هم طبقات زحمتکش با مبارزه طولانی و به زور از طبقات حاکمه گرفته‌اند. به همین دلیل این آزادی‌های دمکراتیک، هر قدر هم محدود و منته شده باشند، برای طبقات محکوم، طبقات زحمتکش، دارای ارزش هستند و به همین دلیل زحمتکشان و احزاب سیاسی طبقات زحمتکش برای گسترش آنها، توسعه جارجوب آنها، شکستن محدودیت‌های آنها، سیگور و مداوم مبارزه می‌کنند، زیرا می‌دانند که هر چه حکومت‌های نوع فاشیستی یا حکومت‌های نوع "دمکراتیک" در کشورهای سرمایه‌داری، هر دو، از لحاظ مضمون، دیکتاتوری طبقه سرمایه‌دار حاکم است، ولی بر خلاف حکومت‌های نوع فاشیستی، که هر نوع مبارزه را در راه رشد و تحول مترقی جامعه سد می‌کند، در حکومت‌های نوع "دمکراتیک"، راهی، هر چند باریکو برسنگلاخ، و روزنه‌ای، هر چند تنگ و کم نور، باز است و از این روزنه می‌توان تنفس کرد و از آن گور راه، کرچه به سختی، می‌توان راه می‌یومد. این واقعیت را نیز ناکفته نگذاریم که در دوران ما و در شرایط کنونی جهان، حکومت‌های نوع فاشیستی قابلیت بقای خود را از دست داده‌اند و نیروی بشک‌باروت خشم انقلابی خلق‌ها قرار دارند، که منفر می‌شود، مانند رژیم سرهنگان سیاه در یونان، رژیم سالزار در پرتغال، رژیم فرانکو در اسپانیا، رژیم "آریسمه‌ری" در ایران، رژیم بل‌پت در کامبوجیا، رژیم سوموزا در نیکاراگوئه و غیره.

نکته دومی که باید در باره این آزادی‌های دمکراتیک در جوامع سرمایه‌داری گفت اینست که، برخلاف ادعای بیلفان بورژوازی، این آزادی‌ها "دمکراسی" نیست. اگر آزادی‌های دمکراتیک توأم با حقوق دمکراتیک نباشد، در حقیقت فاقد محتوی جدی است. ما آزادید کار کنید، اما کار نیست و کسی مسئول تامین کار برای شما نیست. شما حق تحصیل دارید، اما به دلیل بی - بضاعتی و یا فقدان مدرسه نمی‌توانید تحصیل کنید و هکذا. پس آزادی‌های دمکراتیک وقتی مضمون میدمی‌کنند که توأم با حقوق دمکراتیک گردند و این حقوق دمکراتیک، یعنی حق کار، حق استراحت حق تحصیل، حق استفاده از خدمات بهداشتی و بهداشتی، حق مسکن، حق تامین مادی و معنوی در دوران بیری و یالزکار افتادگی، حق تامین زندگی مادر به‌هنگام بارداری، حق برابری بین زن و مرد در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی

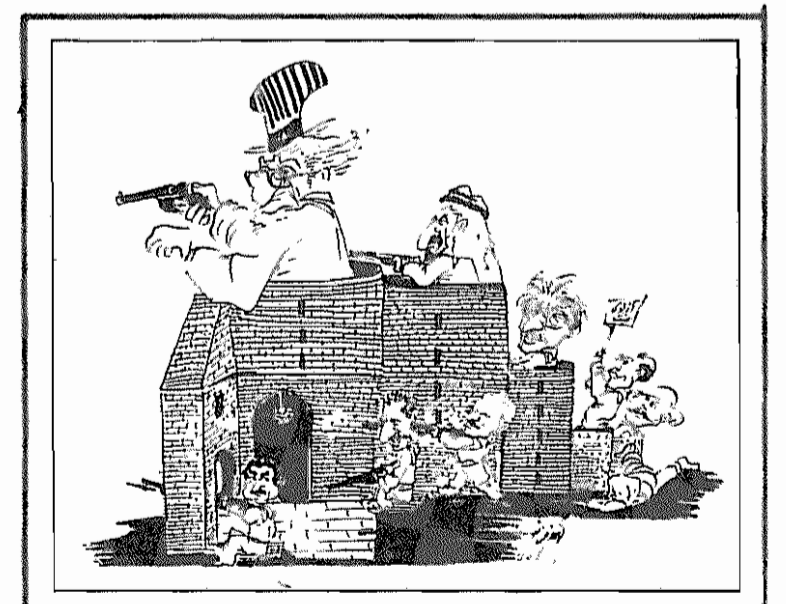
حکومت دست‌نشانده استبدادی "آریا - مبری" به سرکردگی آمریکا، آن را شناخته‌ایم، و چنان شناخته‌ایم که هیچ مشاطه‌گری نمی‌تواند چهره کریه و مخوف او را از نظر خلق غارت شده و زجر - کشیده، ببوساند.

مفهوم آزادی

و اما مفهوم آزادی چیست؟ برای بیان مفهوم آزادی، قبل از هر چیزی باید آنرا از مفهوم "هرج و مرج" جدا کرد. اگر کسی به نام "آزادی" نیمه شب در کوچه عربده بکشد، از دیوار خانه دیگران بالا برود، این آن را در معرض تهمت و افترا قرار دهد، به دفتر این یا آن روزنامه حمله برود و آن را زیر زبرد کند، البته او آزادیخواه نیست، هرج و مرج - طلب است.

ولی آزادی معمولاً به مفهوم آزادی مطلق، یعنی به معنای هرج و مرج به کار نمی‌رود. مفهوم آزادی در فرهنگ سیاسی متداول به معنای آزادی‌های دموکراتیک، به معنای آزادی‌های فردی و اجتماعی در محدوده قانون، به معنای آزادی در داشتن عقیده و بیان عقیده، آزادی اجتماعات، احزاب سیاسی، سندیکاها، صنفی، قلم و مطبوعات، انتخابات و امثال اینهاست.

در مورد این آزادیها، که بورژوازی عموماً و بورژوازی لیبرال (از جمله در کشور ما) خصوصاً، آن را به عنوان "دموکراسی" عرضه می‌دارد، دو نکته مهم گفتنی است:



شیطان بزرگ آمریکا و شیاطین کوچک در منطقه و مزدوران آنان در داخل ایران در کمینند، علیه آنان متحد شویم.

بعد از پیروزی انقلاب نیز بورژوازی لیبرال "آزادی خواه"، از یک سو کوشید آزادی‌هایی که انقلاب پیروزمند به بار آورده بود، به خود منحصر کند، یعنی فقط آزادی را برای احزاب بورژوازی مجاز بداند، آن احزاب و سازمان‌هایی را، که از منافع توده‌های خلق زحمتکش دفاع می‌کردند، از آزادی محروم کند، از جمله "فوانیس" دوران شاه سفاک و وطن‌فروشی رانست به حزب توده ایران باقی‌جاری بماند، از پیدایش دیگر احزاب و سازمان‌های سیاسی مدافع مستضعفان جلوگیری، و از سوی دیگر وابستگی را "به دلیل وابستگی" حفظ کند، ضد انقلاب را از بقیه در صفحه ۶

نفنگران: این رگهای پر خون انقلاب

دروود بر کارگر نفت ما مدافع دیروز و سرسخت ما

کشف منابع عظیم نفتی در ایران، که دارای اهمیت عظیم اقتصادی، نظامی و استراتژیک است، توجه امپریالیست ها را به خود جلب کرده تا با بهره برداری از آن به مقاصد شوم و استعمارگرانه خود دست یابند، به همین دلیل امپریالیست ها کشور ما را به یکی از بزرگ ترین منابع غارت خود تبدیل کردند و برای حفظ و ادامه این غارت، انواع فشارها و تضيیقات را بر کارگران میهن مان و از جمله وبه ویژه کارگران نفت وارد آوردند، کارگران نیز برای مقابله با امپریالیست ها و اعمال فشار آن ها و برای بدست آوردن استقلال کشور به مبارزه پرداختند.

در سال ۱۳۵۸، کارگران نفت اولین اعتصاب بزرگ کارگری را، که خصلت ضد امپریالیستی داشت، به راه انداختند. در سال ۱۳۲۵، نفنگران از پیشگامان جنبش انقلابی و ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران بودند، که علاوه بر خواست های صنفی، خواست های سیاسی را نیز علیه شرکت غاصب انگلیسی نفت مطرح کردند. اعتصاب اوایل سال ۱۳۲۹ و اوایل سال ۱۳۳۰، نفنگران جنوب عامل بزرگی در تصویب قانون ملی شدن نفت و سیردن زمام دولت به دکتر محمد مصدق بود.

بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز این مبارزه ادامه یافت که به طور عمده می توان از اعتصابات کارگران نفت در سال های ۱۳۳۴، ۱۳۴۰، ۱۳۴۲، ۱۳۴۴، اعتصاب ۴ روزه سال ۱۳۵۳ و بالاخره اعتصاب بزرگ سال ۱۳۵۷، که نقش تعیین کننده را در سرنگونی رژیم شاه ملعون ایفا کرد، نام برد. نفنگران قهرمان دست یابی به حقوق اولیه خویش را نیز همواره در گرو پیروزی در جبهه صلی - مبارزه با امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا - دانسته اند و هر جا که پای انتخاب به میان آمده، مطالبات صنفی خود را جندی رها کرده و بیکار علیه امپریالیسم را با تمام وجود و همه نیروی خویش دنبال کرده اند.

امروز نیز دفاع از انقلاب اصل حرکت است. دفاع از انقلاب نیز به معنای خشنی کردن توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه میهن انقلابی است. توطئه ها اشکال و ابعاد گوناگون دارند و هم اکنون از جمله در جبهه غرب و جنوب غربی، در قالب تجاوز آمریکا به میهن ما جلوه گر شده اند.

طبقه کارگر، به ویژه نفنگران، در حال حاضر درگیر این جنگ مرکز زدگی شده اند و ارتلغات،

هنوز دست راست، در خدمت انقلاب است!



نعمت اله محمدیان

"... ماموریت یافتیم که نان و آذوقه از دهات رامهرمز تهیه کرده و به جبهه اهواز برسانیم." در گرما گرم انجام وظیفه انقلابی حادثه او را در ربود... نعمت در کارخانه لوله سازی اهواز کار می کند و اکنون دست چپ او قطع شده است!

کارگران صنعت نفت: با پوست و گوشت از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع می کنیم. با آمریکای چپانغسوار و شرکای امپریالیستش می جنگیم و پوزه تجاوزگر را پخاک می مالیم

ضایعات و عواقب مصیبت بار آن بیعی ندارند. این فرمان انقلاب است و بهترین فرزندان انقلاب آماده فداکاری تا حد ایثار جان برای دفاع از انقلاب اند.

نفنگران چشم پیدار انقلاب

در شرایط کنونی، که دار و دسته جنایتکار

پدر سیزده فرزند و یاور انقلاب



کریم طهماسبی

کارگر ۵۱ ساله شرکت ملی پخش در آبادان، دارای سیزده فرزند: سوار بر دوچرخه سر کارم می رفتم، که مورد اصابت خمپاره واقع شدم. اگر دشمنان انقلاب او را هلاک کنند، سیزده فرزندش جای او را خواهند گرفت!

صدام حسین علیه رژیم جمهوری اسلامی وارد جنگ شده و دست به تجاوز زده است، کارگران صنعت نفت در کنار دیگر کارگران و پیشاپیش صفوف رزمندگان میهن مان آماده گدی خود را برای دفاع از کشور و مقابله با آن اعلام کرده اند و با تمام وجود کمک های بیدریغ خود را به جبهه فرستاده اند و فعالانه در جنگ شرکت می کنند.

کارگران در سراسر کشور با تشکیل کمیته های دفاع و اعزام داوطلبین و منقذی خدمت های ۵۶، چون دیگر مردم میهن مان، فعالانه در صفوف اول جبهه به نبرد با دشمن متجاوز مشغولند. تاکنون بسیاری از آن ها شهید و گروه گنبردی زخمی شده اند. نفنگران در پشت جبهه از کار باز نایستاده اند

در راه دفاع از پالایشگاه آبادان



محمد میرحاجی ورزنده

"۳۵ سال است که در صنعت نفت کار می کنم... در تاریخ ۲۲ مهر ماه... مشغول ترمیم خرابی های ناشی از بمباران هوایی پالایشگاه آبادان بودیم. ناگهان حملات هوایی شروع شد. به چشم خود دیدم که تعدادی از همکارانم در اثر رگبار مسلسل ها به زمین دوخته شدند..."

با پوست و گوشت از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع می کنیم. با آمریکای چپانغسوار و شرکای امپریالیستش می جنگیم و پوزه تجاوزگر را پخاک می مالیم

و به دفاع از انقلاب برخاسته اند. در تاریخ ۵۹/۹/۱۱ جلسه ای از طرف اداره تدارکات و کالای شرکت ملی نفت با حضور نمایندگان کارگران پخش و خطوط لوله نفت تهران و سایر شهرستان ها تشکیل شد، در حالی که نمایندگان از موضوع جلسه اطلاعی نداشتند!

مسئولین تدارکات و کالا موضوع جلسه را در مورد لباس کارگران اعلام کردند و چند نوع پارچه را به کارگران عرضه داشتند و گفتند که مسئولان برای خرید هفتاد هزار متر پارچه جهت تهیه لباس کارگران، با شرکت های بافنده تماس گرفته و آن را به مناقصه گذاشته اند و تمام کارها نیز انجام گرفته است.

نمایندگان کارگران به اتفاق آراء گفتند که در شرایط جنگ تحمیلی امپریالیسم آمریکا به ایران، لباس نمی خواهند و مسئولیت این موضوع، که بدون اطلاع و مشورت کارگران صورت گرفته، با خود مسئولین خواهد بود.

یکی از نمایندگان در این مورد گفت: "آن ها (مسئولین) می خواهند بگویند که کارگران در اوضاع کنونی خواست هایی دارند و به ما فشار می آورند. به همین دلیل ما کارگران با اتفاق گفتیم که فعلا لباس نمی خواهیم." کارگران همچنین از خواست های خود در این شرایط حرفی به میان نیاوردند و آن را به بعد موکول کردند.

نفنگران و چشم پوشی از خواستهای در شرایط جنگ

وزارت نفت طی بخشنامه ای شکر از جیره خواروبار کارگران حذف کرد. این بخشنامه مورد اعتراض نفنگران قرار گرفت. از جمله هیئت مدیره "سندیکای خطوط لوله و مخابرات نفتی" طی نامه ای خطاب به مدیر پخش و خطوط لوله و مخابرات، در این زمینه نظر خود را چنین اعلام کرد:

"بر طبق بخشنامه اخیر که از طرف وزارت صادر گردید (مبنی بر لغو شکر از جیره خواروبار کارگران) به استحضار می رساند که ما کارگران با گوشت و پوست و خون خود از انقلاب و جمهوری اسلامی دفاع کرده و در راه تداوم انقلاب بزرگمان و جنگ سرنوشت ساز با دشمن متجاوز، صدام آمریکا، از هیچ گونه از خودگذشتگی و فداکاری دریغ نمی ورزیم.

ولی طبق جلسات مختلفی که با مسئولین در صنعت نفت داشتیم، ما کار را خواستیم مسائلی

تا اوپسین لحظه، تا آخرین قطره خون



اسداله اسماعیلی

"کارگر قسمت تعمیرات اداره حمل و نقل پالایشگاه آبادان هستم. در تاریخ سوم آبان مشغول انجام وظیفه بودم که ترکش خمپاره..."

را که مربوط به کارگران است با نمایندگان آن ها در جریان بگذارند و موافقت نیز شد. ولی اخیرا بخش نامه ای از طرف وزارت نفت صادر گردیده است که بدون کوچکترین اطلاع ما نمایندگان می باشد. و این خود به عناصر فرصت طلب و ستون پنجم دشمن امکان می دهد که بتواند از این مسائل علیه انقلاب استفاده کند و تبلیغات ناصواب خود را به جمع زحمتکشان شریف در صنعت برده و برای نمونه تبلیغ نماید که وزارت خانه های مهنوز اصلاح نشده و به شیوه طاغوتی عمل می کند و کارگران را در مسائل مربوط به خود شرکت نمی دهند و هنوز تصمیمات پشت درهای بسته اتخاذ می شود.

در راه بقای پالایشگاه تبریز هر دو پایش را از دست داد



مهندس خسرو یعقوب آذری

"بعد از اینکه پالایشگاه تبریز برای دومین بار بمباران شد، طی جلسه ای قرار بر این شد که به منظور جلوگیری از کمبود مواد سوختی و همچنین تهیه مقداری بنزین هواپیما، پالایشگاه دوباره شروع به کار کند و این مسئولیت به عهده من واگذار شد. با کمک همکاران همه کارها به سرعت آغاز شد و به جریان افتاد.

بر روی نقشه ای که مربوط به کنترل برق بود. کاری کردم. صدای انفجاری بگویم رسید، که بلافاصله فاصله بروی زمین خوابیدم، ولی با انفجار بعدی خودم را روی هوا دیدم و ۶،۵ متر آن طرف تر با صورت به زمین خوردم و هردو پایم قطع شد."

لذا ما ضمن اعتراض به بخشنامه اخیر از مسئولین در صنعت نفت می خواهیم که قبل از اخذ هرگونه تصمیمی در رابطه با مسائل کارگری، با نمایندگان قانونی آن ها همکاری نمایند. در ضمن ما خواستاریم بخش نامه اخیر به صورتی تنظیم گردد که لغو شکر از جیره خواروبار، که از حقوق بقیه در صحنه ۶

از خط لوله شاه رود تا خط اول جبهه



محمد رضا قنبریان

کارگر خط لوله شاه رود، داوطلبانه به جبهه غرب رفت. در یک عملیات تهاجمی، ضمن تعقیب دشمن، بر اثر انفجار مین زخمی شد و اکنون "در آرزوی بهبودی و بازگشت به جبهه". دشمن در برابر این کوه های مقاومت چه ضعف و زبون است!

کارگران صنعت نفت با ازجان گذشتگی و فعالیت پرثمر خود در مناطق جنگ زده و زیر بمباران تجاوزگران صدامی، برای دفاع از میهن انقلابی و حفظ جمهوری اسلامی ایران، به باز سازی و نوسازی خرابیها می پردازند و هرچه را که در توان دارند، در جبهه و پشت جبهه به کمک می گیرند.

کارگران نفنگر نمونه های شکوفان طبقه کارگر در مبارزات ضد امپریالیستی و مردمی ایران هستند، که با آگاهی سیاسی خود توطئه های شیطان بزرگ - آمریکا و ضد انقلاب پرورده اش را درهم می کوبند.

ادامه کار هیئت‌های هفت نفری علیرغم همه توطئه‌ها، مشکلات، تضییقات و اعمال فشارها

انجام اصلاحات ارضی به طور کامل و قاطع - تا نابودی بزرگ مالکسی و زمین دار شدن همه دهقانان تهیدست - مسئله‌ای حیاتی است. اینک یکدیگر کسی نیست که اهمیت آن را برای حیات و سرنوشت انقلاب درک نکند. اگر کسی مخالف انقلاب باشد، آرزومند است که اصلاحات ارضی انجام نشود، تا بزرگ مالکی، این دمل چرکین - طاغوت و وابستگی فساد باقی بماند، زمین به دهقانان واگذار نشود، تا این میلیون‌ها نفر امیدهای خود را بر بادرفته ببینند و ناراضی و دل‌سرد شوند و انقلاب یکپایه عظیم مردمی خود را از دست بدهد. اما آن‌کس که موافق انقلاب است، آرزومند است که هرچه قاطع‌تر و زودتر این عمل انقلابی به سرانجام پیروزمند خود برسد و دست تبهکار و غارتگر اربابان و زمینداران بزرگ از جان دهات و دهاتسی‌ها و کشاورزی کوتاه شود، تا استقلال و سلامت کشور حفظ شود و از درون‌گزند پذیر نباشد، حق به جادو برسد و این میلیون‌ها مستضعفی که حاضرند در راه انقلاب جان دهند و عملدرد راه دفاع از جمهوری اسلامی ایران خون می‌دهند، انتظارات خویش را از انقلاب برآورده ببینند.

به همین جهت است که مسئله حیاتی و سرنوشت‌ساز واگذاری زمین به دهقانان اینک دیگر به هیچ وجه منحصر به خود دهقانان و یادست - اندر کاران اقتصاد کشاورزی میهن انقلابی ما نیست، بلکه مسئله‌ای است اساسی از مسائل بزرگ انقلاب ایران و مورد توجه کلیه انقلابیون. به همین جهت است که ادامه کار و فعالیت هیئت‌های ۷ نفری، که ما موراجرای قانون هستند، این همه مورد نظر انقلابیون و این همه مورد بغض و کینه ضد انقلابیون، مالکان بزرگ، لیبرال‌ها و روحانی نمایان ضدخط امام است.

اعلام تعویق موقتی "بند ج" قانون مصوبه شورای انقلاب، که نقطه گزهی و حلقه اساسی قانون ناظر به از بین رفتن بزرگ مالکی است، برای انقلابیون اگرچه مایه تأسف شد، ولی روشن بوده و هست که شرایط اضطراری زمان جنگ و توجه به کسوت سال جاری موجب گردید، تا با توجیه عظیم و همه‌جانبه بزرگ مالکان و وابستگان آنها - چه روحانی نمایان ضد خط امام و چه لیبرال‌های ضدخط امام - به نتیجه "تعویق موقتی" منجر گردد، اصلاحات ارضی را دچار نسیبی گذارند و این عقب سینی موقت را باعث می‌شود، ولی اگر بزرگ مالکان و عمال آنها فکر می‌کنند که دیگر در نبرد پیروز شده اند و انقلابیون را به تسلیم واداشته‌اند، باید صاف و ساده گفت که کور خوانده‌اند، انقلاب ایران به پیش می‌رود و علیرغم دسوازی هابی که شیطان بزرگ بر سر راه آن ایجاد می‌کند (جنگ تجاوزکارانه - محاصره اقتصادی، کمبود و شیطانی - های کوچک از آن استفاده می‌کنند (بزرگ مالکان، واسطه‌ها، محتکرین، سرمایه‌داران زالوصفت)، بالاخره سدها شکسته خواهد شد، سبب بزرگ مالکی نیز بدون تردید و قاطعانه از بین خواهد رفت و راه اصلاحات ارضی، بزودی، فراز حیات بخش خود را باز خواهد یافت.

"مانه طرفدار فتودال هستیم نه هوادار سرمایه‌دارها" - این گفته امام خمینی سدهای موجود و موضع انقلاب و بیرون خط امام را در برابران‌ها نشان می‌دهد، بیپرده اربابان تلاش می‌کنند، به قول معروف، چرخ تاریخ را به عقب برگردانند و انقلاب را به بیراهه ببرند، تا آن‌را به منجلاب نابودی بکشانند. نه فقط ما بر این شرایط اضطراری فائق خواهیم آمد و دوران گذرای نشیب و تعویق موقت پایان خواهد

یافت، بلکه هم‌اکنون نیز اولاً در همه جا باید بگوئیم "مناطق مساعد" را برای ادامه کار هیئت‌های هفت نفری بیاوریم. ثانیاً هیئت‌ها نه فقط در موارد بند های "الف" و "ب" باید کاملاً فعال باشند، بلکه اثبات این امر که اراضی بزرگ مالکی غالباً غصبی است و اسناد مالکیت نقلی است و املاک تصرف عدوانی است و بنابراین می‌تواند و باید فوراً مشمول واگذاری قرار گیرد، از وظایف انقلابی هیئت‌هاست. ثالثاً هیئت‌ها وظیفه مقدس و بسیار فوری سازمان دادن کسوت سال جاری را دارند و بنابراین تمام زمین‌های اربابی سند دار (!) ولی بایر گذاشته شده، یا زیر کسوت برده نشده، یا تعدد به میزان ناکافی کسوت شده برای ظاهر سازی بذریعگی سطحی و کم شده را، باید کشف کنند و کلیه آنها را از هم اکنون مشمول قانون قرار دهند. رابعاً در تمام مناطقی که اربابان زد و خورد و تشنج می‌آفرینند و می‌خواهند قانون و خاتم و ناآرامی و ناراضی ایجاد کنند، دست هیئت‌ها برای جلوگیری از این اقدامات آشکارا ضد انقلابی باز خواهد بود و زمین‌ها می‌تواند فوراً مشمول قانون واگذاری واقع شود.

بنابراین حتی قبل از این که تعویق موقتی "بند ج" پایان پذیرد و برای آخرین ریسه‌کنی قطعی این‌سلاهی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، که بزرگ مالکی است، راه هموار شود، هیئت‌های ۷ نفری همچنان و هم‌اکنون دارای میدان وسیع عمل است. ما تردید نداریم که اکثریت مطلق و غالب زمین‌های اربابی از هم‌اکنون می‌تواند شامل این موارد شود. ما تردید نداریم که هیئت‌ها می‌توانند همچنان فعال و موثر عمل کنند و کم‌ترین سستی و فتوری در کارشان راه نیابد. ما تردید نداریم که دهقانان حتی در این شرایط جنگی، که جان جوانان خود و نان سفره خود را در راه جمهوری و انقلاب فدا می‌کنند، می‌توانند به عیان ببینند که امید آنها راهی نیست و انقلاب به فکر آنها هست و هیئت‌های هفت نفری به سود آنها در تلاشند، اگرچه تشنات لیبرال‌ها و روحانی نمایان ریزه خوار بزرگ مالکان، مشکلات موقتی بر سر راه انجام وظیفه بزرگ آنها ایجاد کرده است.

این اعتماد و امید بی‌پایه نیست. همین اخیراً که عمال چپ‌نمای فتودال ها و ضد انقلابیون آمریکایی مسلح در کردستان، سه تن از برادران هیئت هفت نفری را (همراه دو تن از برادران جهاد سازندگی) دستگیر کردند و به بزرگان بردند، ستاد مرکزی واگذاری زمین، که رهبری همه هیئت‌ها را به عهده دارد، اعلامیه‌ای صادر کرد (۲۴ آذرماه ۵۹) و در آن با قدرت تمام اعلام کرد که:

"علیرغم همه توطئه‌ها، واگذاری زمین با قاطعیت ادامه می‌یابد." ستاد نتیجه کار و فعالیت هیئت هفت نفری را به درستی "راهیسی از چنگال استثمار و فقر و عقب ماندگی اقتصادی" ارزیابی کرد؛ اعضای هیئت‌ها را به درستی "حامیان مستضعفین و روستائیان خاک‌نشین و خادمان مردم مستضعف" نام نهاد؛ عمل آن‌ها را "واگذاری عادلانه و اسلامی زمین و تحقق یکی از اصیل‌ترین خواست‌های مردم" و عمل مخالفان را "ضدانقلابی و دفاع از منافع آمریکا" توصیف کرد. مردم انقلابی ایران و دهقانان، که صحت این ارزیابی‌ها را در عمل و با تجربه خود دریافته‌اند، هیئت‌های هفت نفری را یکی از نهادهای مهم و موثر انقلابی می‌شمرند. مردم می‌خواهند که از فقر و عقب ماندگی و استثمار رهایی یابند، تا انقلاب تعمیق شود. مردم می‌خواهند که تشنات محافل حافظ بزرگ مالکی، که برابر با ضد انقلاب و دفاع از آمریکاست، عقیم بماند، تا یکی از اصیل‌ترین خواست-

حکومت فتودال‌ها در روستای بنار سلیمانی و نقش شورای ده در دفاع از دهقانان

روستای بنار سلیمانی در ۲۵ کیلومتری شهرستان بروجرد واقع است. جمعیت این روستا ۷۵۰ نفر است، که بیشتر آن‌ها کشاورز هستند و به صورت روزمزد روی زمین‌های فتودال‌ها کار می‌کنند. در این روستا عده‌ای کمی صاحب زمین هستند، که به علت ناساعد بودن وضع کشاورزی، بهره‌خداگی را کار خود نمی‌برند. با وجود کسوت حدود ۲ سال از پیروزی انقلاب، با کمال تأسف در این روستا هنوز هم حکومت خان‌خانی برقرار است. این روابط ظالمانه قبل از انقلاب با سد ستری حاکم بود که بر اثر انقلاب اندکی تعدیل شد. اما به دلیل مسائل حل نشده‌های تاکنون حدیثی بار در این روستا درگیری وجود آمده است. در حال حاضر بیشتر زمین‌های قابل کسوت این روستا به کدخدا و سرس نعلق دارد و روستائیان، که از داشتن زمین محروم‌اند، باید روی زمین‌های کدخدا کار کنند. حدود یک‌ماه قبل درگیری بین روستائیان به رهبری شورای ده و دارو دست کدخدا به اوج خود رسید و عمال کدخدا مسلحانه به

اهالی و خانه‌های آن‌ها حمله کردند. در نتیجه کار به دادگاه انقلاب بوسهر کشید. در این دادگاه مالک به یک سال، پسرش به ۵ ماه و رئیس شورای ده به یک ماه زندان محکوم گردیدند. اکنون مردم روستای بنار سلیمانی که از این درگیری‌ها به تنگ آمده‌اند، خواستار اجرای دقیق و قاطع قانون و واگذاری زمین فتودال‌ها به دهقانان و کم‌زمین هستند. هیئت ۷ نفری باید به این خواست منطقی کشاورزان بنار سلیمانی رسیدگی کند و هرچه زودتر ترتیب واگذاری زمین به دهقانان را بدهد. فتودال‌ها مایه سر و کانون تشنج و درگیری هستند. باید ساط خان‌خانی آن‌ها برجسته شود.

روستای بنار سلیمانی محنین فاند آس بهداشتی و درمانگاه اسب و مردم روستا در موارد ضروری باید به بروجرد بروند. روستای مزبور سری هم ندارد و تنها مدرسه آن نیز فقط ۵ کلاس دارد. کودکان ارادامه؟

حصول محروم هستند. مردم روستای بنار سلیمانی چشم خرابه‌ها سازندگی هستند، تا به کمک این نهاد فعال اقلایی، روستای خود را آباد سازد.

آیت‌الله منتظری: هرگونه استثمار را به هر شکل، اقتصاد اسلامی، از بین می‌برد. هر کس به اندازه قدرتش باید کار کند و دسترنج هر فرد از آن او بوده و حاصل کار هر کس باید به خودش بازگردد، نه اینکه طبقه‌ای دیگر دسترنج آنان را غصب نماید.

روستای قفردر حدود ۱۵ کیلومتری شمال شرقی داران، در افغان قرار گرفته است. در این روستا دهقانان ۲ نفر نماینده خود را (مکمل هیئت ۵ نفری) که از زحمتکش‌ترین افراد روستا هستند، انتخاب کردند. این ۲ نفر با تلاش بسیار توانستند به کمک هیئت ۷ نفری داران زمین‌ها را به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین واگذار کنند. دهقانان زحمتکش داران همچنین با تلاش بی‌گهر هیئت ۷ نفری توانستند وام مورد نیاز خود را بگیرند و اقدام به حفرا ه کنند. روستائیان کسوت باغچه خود را بصورت دیمی انجام دادند. در این روستا بزرگ مالکی وجود ندارد و اراضی تقسیم شده، زمین‌های با پر و موات هستند. اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی در این شرایط حساس گام بلندی است بسود انقلاب. این گام بلند باید تدارک وسایل کار برای کسوت و زحمتکش و تهیدست تکمیل گردد. این کار هم موجب خسودی دهقانان محروم می‌شود و هم به شکست تجا و زکران صدامی و خنسی‌شدن تمام توطئه‌های آمریکا یا ری خواهد رساند. علاوه بر این باید دهقانان را تسویق و ترغیب کرد که این اراضی را بصورت تعاضی کسوت کنند. دهقانان زحمتکش نیز در تمام روستاهای کسورمان باید در این لحظه با تمام قدرت و توان به هیئت‌های ۷ نفری یاری رسانند. آفرین بر هیئت ۷ نفری داران!

نمی‌خورند. به‌جا بود و هست که دستگاه‌های تبلیغاتی این موضع‌گیری را نیز وسیعاً به اطلاع همگان برسانند. مردم شیراز در ماده هفت قطعنامه راهپیمایی تأکید کردند که: "ما پشتیبانی و حمایت خود را از طرح اسلامی تقسیم زمین اعلام می‌داریم. این موضع‌گیری راهپیمایان شیراز نشان داد که مردم کاملاً هشیارند و می‌دانند که ریشه فاسد نزد مخالفان خط امام است و آنها در تلاش معطل گذاردن قانون هستند. مردم لیبرال‌های مخالف خط امام را، که هیاهوی "وای آزادی!" بلند کرده‌اند و روحانی نمایان ضد خط امام را، که جماعت تکفیر به دست گرفته‌اند، تا از منافع به‌خطر افتاده

در مطبوعات کشور

تخطئه انقلاب بعد از دولت موقت

فوق العاده این نیروها هستیم. تا این جای قضیه مطلب غریبی به همراه ندارد. یک وزیر خارجه سابق از خودش و عملکرد گذشته اش دفاع و تعریف می کند و بحثی هم نداریم که واقعا برخورد وزارت خارجه ما با عراق به مصلحت انقلاب اسلامی بوده است یا نه و آیا مسلمانان ستم کش و خیل شهیدای عراق توفعی که از انقلاب اسلامی ایران داشته اند، همین بوده یا نه؟ و آیا با توجه به این که به قول خود آقای یزدی "حضور و استمرار انقلاب اسلامی برای صدام و اربابان آمریکایی اش قابل تحمل نیست" چنان برخوردی با عراق واقعا برای به دست آوردن فرصت لازم برای انسجام ارتش و نیروهای دیگر ملحق بوده است، یا به خاطر آن سنی معروف؟! صحبت سر این است که آقای یزدی از ارائه این مطلب منظور دیگری دارد و آن تخطئه سیر انقلاب اسلامی حین برکناری دولت موقت و بعد از آن است و وانمود کردن این مطلب که "اگر می گذاشتند ما بر سر کار می شدیم"!

(پیام انقلاب - ارگان سپاه پاسداران - ۲۹ آذر ماه ۵۹)

آقای دکتر یزدی با استفاده از موقعیت (سابق) خود در روزنامه پیر تیرازی مثل کیهان، زمان جنگ را مفتسم شمرده و به دفاع و اعاده حیثیت از دولت موقت می پردازد. وی ضمن ارائه گزارشی از فعالیت های دیپلماسی وزارت خارجه دولت موقت در رابطه با عراق، بیان می کند که در راه انزوی عراق پیش می رفتیم و با عملکرد صحیح مسائلی بستیانی اردن و برخی شیخ نشین ها از عراق متزلزل و این کشور وادار به مذاکره با ما گردید که بیکار با خود صدام و دوباره با وزیر خارجه آن ها مذاکره و با قاطعیت! مواضع خودمان را بیان کردیم.

آقای یزدی در این سری مقالات خود متذکر می شوند که "حضور و استمرار انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی برای صدام و اربابان آمریکایی و صهیونیستی اش قابل تحمل نبوده و از همان ابتدای پیروزی انقلاب توطئه علیه انقلاب اسلامی را شروع کرد." در مقاله همچنین اشاره شده که برخورد نظامی با عراق در آن موقع به علت شرایط خاص ارتش و نیروهای نظامی ممکن نبود و دیپلماسی ما فرصت لازم را داده است و امروزه ما شاهد تحرک

برقراری اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

هواداران حزب دمکرات کردستان ایران (پروکنگره چهارم):
با نام نویسی در بسیج مستضعفین، تمام نیروی خود را در خدمت مقابله با جنایتکاران صدامی قرار دهید

کردستان خواسته اند که با نام نویسی در بسیج مستضعفین، توطئه های مشترک امپریالیسم و رژیم های مرتجع منطقه و ضد انقلاب داخلی را عقیم سازند.

در این اطلاعیه آمده است:

جنگیده است. ما برای آزادی های فردی و اجتماعی، آزادی بیان و قلم و مطبوعات و اجتماعات و احزاب سیاسی و سازمان های صنفی و سندیکایی، برای حق کار و مسکن و تحصیل و استراحت و تفریح و دوران بپیری و برابری زن و مرد و... برای عدالت اجتماعی، قانونیت، نخستین حزب سیاسی بوده ایم که برچم افراشته ایم و سرسخت و بیگرم مبارزه کرده ایم و در این راه قربانی ها داده ایم. این نبرد دراز مدت و سخت و پرمخاطره و گاه خونینی که ما برای دمکراسی کرده ایم، نه فقط برای آن بوده که حزب ما، بیش از هر گروه و سازمان سیاسی دیگر، از فقدان آزادی های دمکراتیک و از وجود استبداد صدمه دیده و عذاب کشیده، و نه فقط برای این بوده که ما طبعاً برای فعالیت آزاد خود، آزادی می خواهیم، بلکه به ویژه برای این بوده که، ما دمکراسی را برای رشد و تکامل جامعه، از هر باب و در هر زمینه، لازم می شمیریم. ما امروز نیز خواستار جدی امنیت قضایی، قانونیت و آزادی های دمکراتیک هستیم، خواستار جدی اجرای کامل و دقیق تمام آزادی ها و حقوق دمکراتیک مصرح در قانون اساسی هستیم، خواستار گناده دستی در اجرای دمکراسی و پاکسازی تمام رسوباتی که در طرز تفکر و شیوه عمل این و آن، از دوران مدید قرون حکومت استبدادی باز مانده اند، هستیم و در حدود توان خود، ولی مجدانه و بیگرم، در راه این خواست های محقانه و عادلانه مبارزه می کنیم.

ولی جبهه اصلی نبرد جبهه ضد امپریالیستی، جبهه نبرد با امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، جبهه نبرد با خطر کسب استقلال است، چونکه - باید تاکید کرد - با کسب استقلال، با شکست آمریکا، با شکست ضد انقلاب، با درهم کوبیدن پایگاه اجتماعی امپریالیسم در ایران (سرمایه دارای وابسته و بزرگ - زمین داری)، با پیروزی در این جبهه اصلی نبرد است که آن دو دیگر هدف انقلاب، یعنی دمکراسی و نوسازی کشور به سود زحمتکشان ممکن خواهد شد، و دمکراسی مضمون واقعی و خلقی کسب خواهد کرد، و نوسازی کشور به صورتی انجام خواهد گرفت که رفاه معنوی و مادی خلق قهرمان ستم کشیده، ما را تا مین کند و ایران عزیز، وطن عزیز ما را به ایرانی آباد و آزاد و مترقی و سر بلند بدل کند. در این راه و برای رسیدن به این مقصود "سرنش ها کت کند خار مغلان غم مخور!"

کردستان خواسته اند که با نام نویسی در بسیج مستضعفین، توطئه های مشترک امپریالیسم و رژیم های مرتجع منطقه و ضد انقلاب داخلی را عقیم سازند.

در این اطلاعیه آمده است:

استقلال ...

بقیه از صفحه ۴

جنگ دادگاه های انقلاب برهاند، سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی را از گزند انقلاب محفوظ دارد. و چون این برنامه هم زیر فشار امواج انقلاب درهم ریخت، بورژوازی لیبرال از انقلاب "پشیمان" شد و دوباره برچم "آزادی" خواهی را برافراشت و بدین وسیله کوشید و می کوشد که مجدداً جبهه اصلی نبرد را، از نبرد علیه امپریالیسم و وابستگی، از نبرد برای کسب استقلال منحرف کند و آن را بنام "آزادی های دمکراتیک"، در واقع برای آزادی خودش، به منظور رسیدن به همان هدفی که توضیح دادیم (تصرف قدرت حاکم برای برداشت سهم بیشتر از تروت ملی و بهره کشی بیشتر از زحمتکشان، که طبعاً فقط به همراه وابستگی کشور می تواند انجام گیرد) بگشاید.

استواری سیاست حزب توده ایران از کجا ناشی است؟

حزب توده ایران، از روی تحلیل علمی، تجربه دراز مدت و تشخیص درست آرایش قوا در میدان مبارزات انقلابی، همان فردای پیروزی انقلاب (در بنیوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب)، با پستی بینی تمام این جریان - ها، سیاست علمی درستی اتخاذ کرد. مادر همان نخستین شماره روزنامه "مردم" - ارگان مرکزی حزب توده ایران - که به تاریخ ۲۳ اسفند ماه ۱۳۵۷ بطور علنی انتشار یافت، "سراز سلام بر انقلاب مردم"، سرمقاله ای انتشار دادیم زیر عنوان "جبهه اصلی نبرد جبهه ضد امپریالیستی است". این سیاست تا امروز، بدون کمترین انحراف و علی رغم محدودیت های بی دلیل و غیر قانونی که برای آزادی عمل و فعالیت حزب ما انجام گرفته است، با استواری و پیگیری بی تزلزل ادامه دارد و ادامه خواهد داشت. چرا؟ آیا ما به آزادی های دمکراتیک کم بهاء می دهیم؟ البته نه. هر بی غرض و منصفی تصدیق می کند که حزب توده ایران در تمام مدت ۴۰ ساله عمر خود، بی وقفه و فداکارانه بر ضد استبداد، بر ضد حفقان، بر ضد قانون - شکنی ها، بر ضد هر نوع آزادی کشی و برای آزادی های دمکراتیک، و نه فقط برای آزادی های دمکراتیک، بلکه همچنین برای حقوق دمکراتیک مردم

آزادی لیبرال، یعنی آزادی غارت و کشتار

و اکنون روی سخن با لیبرال های شیفته غرب و گروه های مدافع حکومت مردم بر مردم است که این همه سنگ و گلوله را به سینه می زنند و باید جواب دهند که چه ویژگی در این شیوه حکومتی نهفته است که منشا این همه جنایات و انهدام انسانیت، چه در درون مرزهای غرب و چه در خارج از مرزهایشان یعنی در سراسر جهان می باشد؟

ما با بررسی عملکرد دمکراسی غربی، این شیوه حکومتی را چیزی جز فاشیسم با آرایش دموکراسی نمیدانیم و آنرا "فاشیسم دموکراسی" می نامیم. پس نتیجه می گیریم که در مقاله آزادی صرفاً به شعارها و ظواهر زیبا و فریبنده نباید پرداخت و انسان آزاد کسی است که در مسیر رشد و تکامل قرار گرفته و هیچ مانع و قیدی و اوراز راهش باز ندارد و سرنوشتش را تغییر ندهد.

چه بسا آزادی هایی در محتوی اسارت است همچون آزادی در فساد و لجام گسیختگی و ... یک آزادی معنایش رهایی از اسارت و وابستگی سیاسی، اقتصادی و نظامی به بیگانه است. و دیگری معنایش آزاد گذاشتن مسابقه و رقابت برای وابستگی و نوکری و بیگانه پرستی است. یک آزادی، آزادی خمینی و دیگری آزادی لیبرال است.

(کیهان - ۲۹ آذر ۵۹)

ارتش آمریکا به خاطر حفظ منافع امپریالیسم غرب سال های سال و بی تمام را زیر آتش گرفت. هم دموکراتها، که در زمان "نامرحوم گندی" از پایبند گذاران جنایت بودند و هم جمهوری خواهان، که شدیدترین بیماران هارا علیه هائوی به کار گرفتند، همگی به نام دفاع از صلح جهانی دست به این کارها زدند:

از یک طرف حمایت بی دریغ حقوق بشر آمریکایی از کشتارهای وحشیانه مارکوس در فیلیپین، یا کشتار فجیع صدها هزار مسلمان در اندونزی توسط "سوارتو" و یا دفاع از رژیم های فاشیستی هم چون "پینوشه" در شیلی، نظامیان در آرژانتین و برزیل و کشتار وحشیانه خلق السالوادور، گواتمالا، دومینیک و همچنین کشتار مسلمانان ظفار توسط شاه مفلوک و قابوس مغفور و حمایت از رژیم های ارتجاعی و ماشیست عربستان، اردن، مصر و ...

از طرف دیگر قرن ها استعمار و کشتار وحشیانه مستضعفین جهان توسط دموکراسی کهنه کار انگلیس در هند و خاورمیانه و افریقا و جنایات دموکراسی فرانسه در خاور دور و آفریقا و آمریکای لاتین و ...

همه جنایاتی که از قرن ها پیش توسط دنیای غرب علیه مستضعفین جهان اعمال می شود، با شعارهای دفاع از دنیای آزاد دموکراسی غربی و صلح جهانی همراه است.

اما وحدت غرور آفرین مردم میهن ما در برابر تجاوزات و وحشیانه بعث صدامی و مشارکت عموم هموطنان، از پیر و جوان، زن و مرد، کوچک و بزرگ در این نبرد حق و باطل، نشانه پیروزی حتمی مردم انقلابی ما بر آمریکا و رژیم بعث عراق است.

همشهریان گرامی!
ما هواداران حزب دموکرات کردستان ایران (پیروان کنگره چهارم) با پیروی از مشی اصولی و انقلابی حزبمان و نیز با احساس مسئولیت خطیری که در قبال انقلاب و سرنوشت خلق های ایران، از جمله خلق رنج دیده کرد، داریم، در این لحظات حساس و سرنوشت ساز تاریخ انقلاب ایران، از تمامی مردم انقلابی و میهن پرست کردستان، خصوصاً رفقای حزبی، هواداران و دوستان حزب می خواهیم که به وظیفه ملی، انقلابی و تاریخی خود در دفاع از انقلاب و تمامیت ارضی کشور جمهوری اسلامی ایران عمل کرده و بانام نویسی و شرکت در بسیج مستضعفین، تمامی توش، توان و استعداد خود را جهت خنثی نمودن توطئه های مشترک امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم های مرتجع منطقه و نیروهای ضد انقلاب داخلی به کار گیرند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!
مرگ بر رژیم ضد خلقی صدام حسین!
پیش به سوی حل مسالمت آمیز مسئله کردستان در چهارچوب انقلاب ایران!

نامه کارگران اخراجی شرکت نفت فلات قاره (بهرگان) به نامه «مردم»

پس از صدور بخش نامه مدیر عامل شرکت نفت فلات قاره خطاب به رئیس منطقه، بهرگان پیرامون کار کارگران روز مزد این شرکت، ۶۰ تن از این کارگران اخراج شدند.

مطابق این بخش نامه "ادامه" کار این کارگران موکول به "کسب مجوزی" از شخص مدیر عامل شده بود. کارگران اخراجی طی نامه ای به نامه "مردم" به اخراج خود اعتراض کرده اند، در این نامه می خوانیم:

روزنامه "نامه" مردم، منطقه نفتی "بهرگان" امام حسین، که قبلاً بنام "سیریب" با همکاری دولت ایتالیا و

گوشه ای از کمک کارگران نفت، که طی اطلاعیه ای از طرف شورای اسلامی کارکنان سوخت گیری هواپیما بی صنعت نفت اعلام شد، به شرح زیرین است:

الف- هدایای نقدی، که به حساب های مربوطه واریز گردیده است:

۱- مبلغ ۴۰۲۰۰۰ ریال به حساب ۱۱۴۰ مجلس شورای اسلامی،

۲- مبلغ ۸۰۰۰۰ ریال به حساب ۷۷۷۷۷ هلال احمر،

۳- پرداخت از یک تا شش روز حقوق به مدت یک الی دوازده ماه به حساب ۷۷۷۷۷،

ب- کمک های جنسی که به اهواز ارسال گردیده است:

۱- برنج ۶ تن،

۲- شکر ۲ تن،

۳- روغن نباتی ۱/۵ تن،

۴- حبوبات ۱/۵ تن،

۵- جای ۱۲۰ کیلو.

نفتگران و ...

بقیه از صفحه ۴

حقه ما کارگران است و طبق قانون کار، شرکت نتواند یک طرفه و به دلخواه آن را قطع نماید، ولی چون شرایط حساس مملکت ایجاب می کرده چنین تصمیمی گرفته شود، لذا می باید وقتی شرایط به حالت عادی برگشت مجدداً قابل پرداخت باشد.

گوشه ای از کمک های نقدی و جنسی نفتگران به جبهه

نفتگران کمک های نقدی و جنسی خود را به سوی جبهه جنگ و مناطق جنگ زده سرازیر می کنند.

در مراسم تشییع جنازه شهید در گرگان:

خون شهیدان تداوم بخش مبارزه با امپریالیسم، بسو کردگی امپریالیسم آمریکا است



در مراسم تشییع جنازه شهید جنگ، که در گرگان برگزار شده مردم شعار میدادند: «قسم به خون شهید، مبارزه با صدامها با آمریکا ادامه دارد»
هزاران نفر از مردم گرگان روز ۲۱ آذر ۵۹، همراه با رزمندگان پاسدار و ارتش برای تشییع جنازه شهید: طالب فتانی (سرباز)، شعبان بهرامی (پاسدار) و شعبان آزادی که از اهالی روستاهای قلعه حسن، هاشم آباد، بالاچاده بودند در جبهه‌های جنوب و غرب کشور به شهادت رسیده‌اند از سردخانه تا گورستان راهپیمایی کردند. پیشاپیش راهپیمایان، که اغلب از زحمندگان روستایی و شهری بودند، دسته موزیک و گاردار احترام ارتش رژه می‌رفت، مردم شعار می‌دادند: «توپ، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد، از شربت شهادت، صدام خیر ندارد». «آبادان، خوزستان مقاومت کن، مقاومت کن».

در ادامه جنگ...

بقیه از صفحه ۱
با دادن ۱۸ کشته و ۳۹ مجروح متواری شدند. از نیروهای خودی یک تن شهید و ۴ تن مجروح شدند.
۳- همچنین روز چهارم دیماه، مناطق سرپل ذهاب، گیلانغرب و کوره‌موش درگیر مبادله آتش توپخانه و سلاحهای سنگین نیروهای خودی و نیروهای مزدور ارتش عراق بوده و تلفات قابل ملاحظه‌ای به نیروهای دشمن وارد شده است.
۴- در جبهه سوسنگرد رزمندگان نیروهای خودی در یک عملیات چریکی موفق شدند، یک دستگاه نفربر و ۴ سنگر دشمن را منهدم کرده و حدود ۲۰ تن از نیروهای دشمن را به هلاکت برسانند. در این عملیات چریکی ۲۵ تن از مزدوران صدامی زخمی شدند. همچنین در این روز شهر سوسنگرد بطور متناوب زیر آتش توپخانه دشمن قرار داشت.
۵- بر اثر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در جبهه های اهواز، این ضایعات به دشمن وارد شده است. انهدام ۷ دستگاه تانک، ۲ دستگاه خودروی سنگین، ۲ دستگاه

خودروی حامل مهمات، ۴ دستگاه بولدوزر، ۲ دستگاه نفربر و ۲۳ سنگر. ضمناً در این عملیات نیروهای مزدور ارتش عراق حدود ۳۰ تن کشته و مجروح داشته‌اند.
۶- در اثر آتش سنگین توپخانه های نیروهای زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه مارده، چندین قبضه تیربار و تعدادی از سنگرهای مزدوران ارتش عراق به آتش کشیده شد. در جبهه آبادان- ماهشهر نیز، ۴ سنگر دشمن زیر آتش توپخانه نیروهای خودی قرار گرفت و تعداد قابل ملاحظه‌ای از نیروهای دشمن در این منطقه به هلاکت رسیده و مجروح شدند. در این عملیات آمبولانسهای دشمن مدت‌ها مشغول تخلیه مجروحین و کشته‌های خود بودند.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

آنا ۵۰۰ ریال
خانواده آزاد ۳۰۰۰ ریال
ح. ا. ص. از ساری ۴۰۰۰۰ ریال
جمع آوری شده در عروسی رضاقدهسیه ۱۲۰۰۰۰ ریال
مرت از شهر کرد ۲۱۰۰ ریال
حیت از شهر کرد ۱۱۰۰ ریال
سازمان حزب از شهر کرد
ع. سمنی ۴۰۰۰۰ ریال
از دامغان ۱۳۰۰۰ ریال
رفیق لاله از چالوس ۲ سکه ربیعی
رفقا ط. و آذر ۵۰۰۰ ریال

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کهن منش ره شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی بیردازند.

۷- روز ۴ دیماه در جبهه‌های خونین شسر و اهواز توسط رزمندگان جان برکف هوانیروز این ضربات به دشمن وارد شده است: انهدام ۲ دستگاه تانکر سوخت، انهدام ۵ دستگاه اود، انهدام ۸ دستگاه کامیون زیلو کبیرسی، انهدام ۱ دستگاه انفار مهمات، در این عملیات تعداد قابل ملاحظه‌ای از نیروهای دشمن کشته و یک تن نیز به اسارت رزمندگان خودی درآمده است.
۸- در جاده ماهشهر-آبادان بر اثر آتش خمپاره‌اندازهای نیروهای خودی، حدود ۲۵ تن از مزدوران صدام کشته و زخمی شدند. همچنین در این محور چهار فروند هلی کوپتر دشمن ظاهر شد که بر اثر آتش رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران مجبور به فرار شدند.
۹- بر اثر آتش توپخانه نیروی

با هشیاری و اتحاد...

بقیه از صفحه ۱
از طرف دیگر، اخبار حاکیست که ضمن تشدید بی‌سابقه فعالیت نظامی آمریکا و عمالتش در منطقه (مرکز ناوگان عظیم آمریکا، همراه با واحدهای «واکشی سریع» در مجاورت ایران، تقویت نظامی دولتها و شیخ‌نشین‌های مرتجع خلیج فارس و تشویق آنها به مداخله نظامی در ایران، اعزام لشکرهای پاکستانی به عربستان سعودی و برخی شیخ‌نشین‌ها و غیره) طرح اشغال نظامی سه جزیره ایران (تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی) واقع در دهانه آبراه هرمز، تهیه و آماده برای اجرا شده است. طرح وسیعتری نیز که بنام طرح «لویز» معروف است و توسط نیکسون-کیسینجر آماده و توسط پرژینسکی تکمیل شده، در دستور روز قرار گرفته است. طبق این طرح می‌بایستی با تجزیه کشورهای موجود در منطقه، «مبنی کشورهای» بوجود آیند که هدایت آنها آسانتر باشد. سهم ایران در این طرح، تجزیه بلوچستان، خوزستان و کردستان از میان ما است.
در مکز جهانخواران ماجراجوی یانکی، اجرای طرح اشغال جزایر ایران در خلیج فارس، قاعدتاً می‌بایستی بعنوان مقدمه‌ای برای اجرای طرح «لویز» در نظر گرفته شده باشد، بشرط اینکه «سیاه طرحهای فوری تر، موثرتر و قابل اجرائی را پیشنهاد نکنند.
ضمناً بدیهی است که باید ضدانقلاب گریخته از ایران را نیز «حائز بکار» کرد. از جمله «رئیس سفر» را به اشرف خانن هموار کرد، تا به آمریکا - مرکز جنایتکاران جهان- برود و در ملاقات‌های «غیررسمی» با کیسینجرها و راکفلرها و راجرها، مطمئن شود که آمریکا از هیچ کمکی برای استقرار رژیم «شاهنشاهی» در ایران به اشرف خانن و شرکا دریغ نخواهد ورزید.
در داخل کشور نیز آمریکا، مجدداً در این روزها، همه امکانات خود را بکار گرفته، تا با ایجاد بلبو و اغتشاش و ناامنی، ضمن انحراف افکار از توجه به توطئه جدیدی که باید اجرا شود، جو ناسالم مساعدی برای تحقق توطئه فراهم کند. سوء قصد به جان آیت‌الله موسوی اردبیلی - دادستان کل کشور، دامن زدن به امتصاب و تحمسن در بعضی از مراکز کارگری، ایجاد درگیری در خیابان «مبارزان» و قتل جوانی در آن درگیری برای ایجاد جوی ملتعب، تبلیغات عنان گسیخته و سبمی که مجدداً متربسک «خطر کمونیسم» و «خطر توده ایها» را به جنبش درآورده ... همه برای شکستن صفوف متحد خلق از یکسو و انحراف توجه از خطر توطئه جدید آمریکا ارسوی دیگر، به اجرا درمی آید.
«جاده صاف کن‌های» امپریالیسم آمریکا - از ضدانقلاب‌متشکل گرفته تا لیبرالها و مائوئیستها، که بوی کباب شنیده‌اند، بر شدت فعالیت خود افزوده‌اند. آمریکا و عمالتش در صددند «موازنه قوا» را در داخل بسود ضدانقلاب برهم بزنند، تا اجرای توطئه هفتم قابل تحقق شود.
اندک توجهی که به مجموعه عملیات و تبلیغاتی که آمریکا و عمالتش در این روزها، چه در خارج و چه در داخل ایران، انجام میدهند، بنحوی بارز نشان میدهد که ما در آستانه اجرای توطئه جدیدی از جانب آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی ایران واقع شده‌ایم. خطر جدی و فوری است و بی‌توجهی بدان میتواند فاجعه بار آورد.
خوشبختانه این بار مقامات رهبری و عالیترین مقامات مسئول به‌خطر توجه دارند. ولی فزون بر این توجه، باید تمام اقدامات ضرور انجام گیرد، تا آماده مقابله و خنثی کردن توطئه بود و آنها بر

پیام شادباش ...

بقیه از صفحه ۱
پایه‌گذاری حزب کمونیست فرانسه را به شما و از طریق شما، به همه اعضاء و هواداران حزب بر افتخارتان صمیمانه شادباش می‌گوید.
تاسیس حزب کمونیست فرانسه در سال ۱۹۲۰ روی داد تاریخسازی در حیات سیاسی و اجتماعی فرانسه و طبقه کارگر کشورتان بشمار میرود. در «کنگره توده» بخش عظیمی از طبقه کارگر فرانسه از رهبران اپورتونیست حزب سوسیالیست گسست و حزب مستقل خویش، حزب کمونیست فرانسه را برپایه اندیشه‌های توانای مارکسیسم-لنینیسم و اثر ناسیونالیسم پرولتری بنا نهاد.
حزب کمونیست فرانسه در شصت‌سالگی که از پایه‌گذاری آن میگذرد، همواره مدافع پیکر منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و خلق فرانسه بوده است. کمونیستهای فرانسه با پیکار جانباخته خود در صفوف پیشاپیش رزمندگان ضد فاشیست در جنبش مقاومت علیه فاشیسم، حماسه‌ها آفرینند.
در دوران پرتلاطم پس از جنگ نیز حزب کمونیست فرانسه پیوسته راهنمای طبقه کارگر فرانسه در مبارزات درخشان آن در راه صلح، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم بوده است.
همبستگی انترناسیونالیستی در تاریخ فعالیت حزب شما همواره مقامی بس شایخ داشته است.
در این گستره، حزب توده ایران و جنبش راهپیمایش میهن ما پیوسته از پشتیبانی و همبستگی بیدریغ حزب کمونیست فرانسه برخوردار بوده است. کمونیستهای فسرانسه در سیه‌اترین دوران اختناق رژیم منفر پهلوی، ندای حق طلبانه خلق و زحمتکشان ایران و حزب ما را بگوش مردم فرانسه و جهانیان میرسانند و اکنون نیز پیگیرانه از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما در برابر دساتن روزافزون امپریالیسم و ارتجاع جهانی، بسرکردگی آمریکا، به دفاع مشغولند. رفتای گرمی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران در شصتین سالگرد تاسیس حزب افتخارآفرینتان، باردیگر بر همبستگی خود با پیکار کمونیست‌های فرانسه در راه صلح، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم تأکید می‌کند و پیروزیهای هر چه بیشتر شما را در راه پیشبرد این هدفای والا خواستار است.
با درود های رقیقانه
کمیته مرکزی حزب توده ایران
دیپراول: نورالدین کیانوری

شکلی از اشکال که بخواهد اجرا شود، فورا و با قاطعیت عقیم کرد. آماده‌شدن برای درهم‌شکستن فوری و قطعی توطئه جدید آمریکا، قبل از هر چیزی، مستلزم اجرای رهنمود امام خمینی مبنی بر تأمین و حفظ آرامش و امنیت است. باید از هرگونه درگیری، اعتصاب، تحصن و تظاهر و هر اقدامی، از جمله تبلیغاتی که جو ناسالمی بوجود می‌آورد و زمینه را برای فعالیت ضدانقلابی فراهم می‌کند و توجه مردم را از خطر توطئه منحرف میکند، مجدانه جلو گرفت.
اتحاد عمل تمام نیروهای راستین انقلابی وسیله مطمئن وضامن پیروزی در هر درگیری با دشمن غدار - آمریکای جنایتکار است. باید تمام تدابیر مفید و لازم برای اتحاد عمل نیروهای وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اتخاذ و اجرا شود. صف نیروهای مدافع انقلاب را باید پدیدآور کرد. توده‌های میلیونی زحمتکشان و مستضعفان شهر و روستا را باید فورا برای مقابله با توطئه جدید آمریکا و درهم‌شکستن آن بسیج کرد. برای بسیج این توده‌های میلیونی، باید انقلاب را تعمیق کرد و مواضع اجتماعی ضدانقلاب را تسخیر نمود. برای تسخیر مواضع اجتماعی ضدانقلاب باید با قدرت اصلاحات ارضی مصوب را تحقق بخشید، بازرگانی خارجی را ملی کرد، توزیع عادلانه کالاهای ضرور را با رسمت و دقت به اجرا درآورد، برشته اقداماتی در این زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی دست زد، تا توده‌های میلیونی هر چه زودتر و بنحوی ملموس و محسوس از ثمرات انقلاب بهره‌مند شوند و سد غیرقابل شکستی در برابر هر توطئه ضدانقلابی ایجاد کنند، تا ضدانقلاب منزوی و ناتوان شود و «دست داخلی» آمریکا بشکند.

کار دستگاه تبلیغاتی در ایجاد حفظ آرامش، در تدارک اتحاد عمل انقلابی تمام نیروهایی که بتوان برای دفاع از انقلاب متحد ساخت، در تعمیق انقلاب و اجرای تدابیر مفید و لازم در زمینه بسیج توده‌های میلیونی برای حفظ جمهوری اسلامی ایران در مقابله با آمریکا و عمالتش، حائز اهمیت بزرگی است. باید بکار دستگاه تبلیغاتی، بویژه به رادیو و تلویزیون بیش از پیش توجه کرد. از وظایف مهم این دستگاه، جلب توجه مردم به جبهه جنگ، جلب توجه مردم به تدارک توطئه جدید آمریکا، جلب توجه مردم به لزوم حفظ آرامش، اتحاد عمل، بسیج توده‌های میلیونی برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. دستگاه تبلیغاتی باید به مردم دائماً این حقیقت را گوشزد کند که ما با فتردن صفوف انقلابی خود میتوانیم آمریکای خدمه‌گر و متجاوز را درهم شکنیم و پیروزی نهایی با ماست.
خلاصه در یک کلام، ما در آستانه یک توطئه جدید و نوبتی آمریکای جنایتکار قرار گرفته‌ایم و باید بیدرنگ تمام تدابیر لازم را برای شکستن این توطئه جدید بکار بندیم.
آمریکای جنایتکار میخواهد ما را نابود کند. ما راهی جز پیروزی نداریم. ما پیروز خواهیم شد.

۳ رفیق توده‌ای ...
بقیه از صفحه ۱
حزب توده ایران ضمن اعتراض شدید به این اعمال غیرقانونی، و جلب توجه مسئولین کشور،

سادات سخاوتمند!

جناب انورسادات در مورد «مبارزان» افغانی بسیار سخاوتمند شده است. انور سادات در نطقی بمناسبت سالگرد تولد خود، ضمن اشاره به «تقسیم دولت مصر برای افزایش کمک‌های نظامی هرچه بیشتر به مبارزان افغانی»، اعلام کرد که از مایملک شخصی خود، مقداری وجه نقد و لوازم ضروری برای کمک به «مبارزان» کسار گذاشته است. سادات تاکید کرد که کمک‌های گسترده دولت مصر به این «مبارزان» شجاع! بیش از پیش گسترش خواهد یافت. این کمک از راه پاکستان در اختیار ضدانقلابیون قرار می‌گیرد.

سادات بعد از ملاقات با یک هیئت «مبارزان افغانی» به بهیروی ماجدی، این نطق را ایراد کرد.

توجه!

مقالات زیر، که در روزهای اخیر در نامه «مردم» انتشار یافت، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود:

- ★ نورالدین کیانوری: درباره «القاء ایدئولوژی» - ادعاهای واقعیت‌ها (شماره ۴۰۳)
- ★ خطر آمریکا، جدی، فوری و باقی است (شماره ۴۰۵).

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارندهٔ امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بیزادی
 خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
 (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM

No. 406
 29 December 1980

Price:

West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همهٔ مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران



زحمتکشان پرتغال با استقرار موشک‌های هسته‌ای جدید در اروپای غربی مقابله خواهند کرد.

لویس خودرس، عضو دبیرخانه ملی کنفدراسیون عمومی کارگران پرتغال و عضو پارلمان این کشور گفت: «زحمتکشان پرتغالی قاطعانه با طرح پیمان ناتو در مورد استقرار موشک‌های هسته‌ای جدید در اروپای غربی مقابله می‌کنند».

وی متذکر شد: «این اقدام با منافع همه‌خلاقه‌های جهان مغایرت دارد و استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا، که از سوی دولت کارتر تنظیم شده است، تهدیدی جدی برای همه بشریت است».

در جریان تظاهرات در جلوی سفارت آمریکا: مردم کانادا شرکت‌آمیریا ایسم آمریکا در سرکوبی خلق السالوادور را محکوم کردند

در تورنتو، یکی از شهرهای کانادا، جمعیت زیادی به نشانه اعتراض به دخالت امپریالیسم آمریکا در امور داخلی السالوادور، که تا کنون به کشته شدن عده زیادی از مبارزان آزادیخواه دستگیری و شکنجه و آزار انقلابیون این کشور منجر شده، در جلوی سفارت آمریکا به تظاهرات پرداختند. تظاهرکنندگان، ضمن محکوم کردن اعمال جنایتکارانه هیئت حاکمه دست‌نشانده السالوادور، خواستار قطع کمک نظامی به السالوادور شدند. شرکت‌کنندگان در تظاهرات همچنین از دولت کانادا خواستند که رسماً چنین روشی را ردیوش بگیرد.

عضو رهبری لیبی: امپریالیسم آمریکا تمام کوششها برای حل و فصل عادلانه اختلافات در خاور نزدیک را عقیم می‌گذارد

احمد شهابی، عضو رهبری لیبی، در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی در پاریس اعلام کرد: «افزایش حضور نظامی آمریکا در دیگر کشورها، صلح و امنیت همگانی را به خطر انداخته است».

وی ضمن اشاره به تلاشهای جدید امپریالیسم آمریکا برای به‌آشوب‌کنانیدن اوضاع منطقه، گفت: «وزارت جنگ آمریکا در مصر، عربستان سعودی، سومالی و در دیگر کشورهای منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس، ایگانه‌های نظامی ایجاد کرده است».

احمدشهابی همچنین متذکر شد: «آمریکا تمام کوششها در راه حل و فصل عادلانه اختلاف خاور نزدیک را عقیم می‌گذارد».

وزارت خارجه هند گزارشهای تحریک‌آمیز امپریالیستی علیه این کشور را تکذیب کرد

وزارت خارجه هند این باطیبل را که گویا این کشور در برابر دریافت اسلحه از اتحاد شوروی بنادر خود را برای ساختن پایگاه‌های نظامی و دریایی در اختیار شوروی قرار می‌دهد، قویاً تکذیب کرد.

لازم به یادآوری است که رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق در پاکستان، برای منحرف کردن افکار عمومی جهان از سیاست خائنانه خود در تبدیل پاکستان به پایگاه توطئه و تجاوز آمریکا علیه خلاقه‌های منطقه، منبع اصلی پخش این اراجیف است.

معاون وزارت دفاع کامپوجیا: نیروهای مسلح کامپوجیا آماده سرکوب تمام تجاوزات امپریالیستی به قلمرو کشور هستند

جان‌سی، معاون وزارت دفاع جمهوری خلق کامپوجیا گفت: «واشنگتن و پکن به توطئه‌های خود علیه کامپوجیا ادامه می‌دهند تا مانع ساختمان زندگی نوین در کشور شوند».

وی افزود: «رهبران چین به حمایت همه‌جانبه از باند جنایتکار پولیت - ینگساری ادامه میدهند و از تلاش برای سرهم‌بندی کردن یک جبهه ضد کامپوجیایی از گروههای فراری ضدانقلابی دست نکشیده‌اند».

جان‌سی گفت: «مقام‌های تایلندی که در خدمت ارتجاع جهانی هستند، از اوپاشان پولیت - ینگساری حمایت نظامی مستقیم بعمل می‌آورند و نیروی هوایی تایلند بطور منظم حریم هوایی کامپوجیا را نقض می‌کند. این اقدامها مانع کاهش تشنج در مرزهای غربی کشور است».

این مقام برجسته کامپوجیایی در سخنان خود، ضمن سیاست‌گذاری عمیق خلق کامپوجیا از نیروهای مسلح ویتنام، که بویژه در زمینه ایجاد و تحکیم ارتش انقلابی خلق کامپوجیا برادرانه همکاری می‌کند، گفت: «نیروهای مسلح کامپوجیا آماده‌اند به تمام توطئه‌های ارتجاع جهانی پاسخ دندان‌شکن بدهند».

شوخی نیست...!

دسته گلی که دکتر متخصص «القاء ایدئولوژی» به آب داد

بی‌مقدمه عرض کنم که هفته گذشته بنده دسته گلی به آب‌دادم که خودم را از خنده روده‌بر کرده‌ام. لابد می‌پرسید بنده که باشم که پایای پرهنه دویدهام وسطاً عرض‌شود که بنده همان دکتر «صادق قانع» معروف هستم، که در «القاء ایدئولوژی» تخصص دارم. حتماً می‌دانید که بنده متخصص القاء انواع و اقسام ایدئولوژی هستم و این‌روزها، که بیماری «آ-آیدئولوژی» در کشور سحت و آگیر شده، فرصت‌سرخاراندن هم ندارم. بله، داشتم از دسته‌گلی که آب‌دادم می‌گفتم. ماجرا این‌است که دوشنبه گذشته درحالیکه ۲۳ ساعت از ۲۴ ساعت را ایدئولوژی القاء کرده بودم و بازهم صف در صف در مطبخ مشتری‌نشسته بودم، منسی مطب آمد و گفت:

یک‌آقائی که فارسی را یک‌چوری حرف می‌زند، بیشتر از صدبار تلفن کرده و وقت‌می‌خواهد.

همانطور که داشتم به یک مائوئیست، آمپول ۷۰۰ سی‌سی «اسلام آمریکایی» می‌زد، گفتم: - می‌بینی که وقت ندارم، منسی با لحن دردناکی گفت:

- آخر این آقا مرا به‌تنگ آورده، می‌گویند مساله مرگ و زندگی در میان است. خواهش کرده که هرطور است او را ببینید. هرچه من گفتم دکتر وقت ندارد، اصرار کرد که بخود دکتر بگویند، شاید درست بشود.

راستش نگران شدم. گفتم: - این یکساعت را هم نمی‌خواهیم، زندگی مردم مهتر است. تلفن بزیند خودش را برساند.

یک‌ربع بعد، در اتاقم بازند و آقایی، که عینک طبی قشنگی بچشم داشت و مقداری از ریشش سفید شده بود و به‌منظرم آشنا می‌آمد، وارد شد. نشست نشسته، شروع کرد تند و تند بحرف زدن. می‌گفت «البته اینان لجه آمریکایی داشت و بنده ترجمه حرفهایش را می‌نوایسم».

- آقای دکتر، شما باید بمن، کمک کنید. کمک کنید. چه زمانه‌ای شده آقا، سالهای سال در ایالات متحده آمریکا خون دل خوردم و برای اسلام مبارزه کردم. سالهای سل از پنسیلوانیا گرفته تا ماساچوست اسلام را تبلیغ کردم. سالهای سال در هجرت و در بدری از این شهر ایالات متحده آمریکای شمالی به آن‌شهر ایالات متحده آمریکای شمالی رفتم و با امپریالیسم مبارزه کردم. به ایران هم که برگشتم، وقتی این مردم رفتند و سفارت‌خانه کبرای ایالات متحده آمریکای شمالی را تسخیر کردند، در ادامه مبارزاتم رفتم و دیپلومات‌های محترم سفارت را، که مردم به آنها می‌گفتند جاسوس، آزاد کردم

و به مردم گفتم که این کارها اسلامی نیست. در دو سال گذشته با کارهای غیراسلامی که این مردم دنبال هستند، مانند واگذاری زمین به دهقان‌ها، ملی‌شدن صنایع و بیمه، ملی‌شدن مدارس و هزاران کار مانند آن مخالفت کردم و به مبارزه ضد امپریالیستی ادامه دادم. بالاخره هم برای اینکه نفرت خود را از امپریالیسم نشان بدهم، رفتم و همراه دوستانم با برزیل‌سکی ملاقات کردم و چه وعده‌ها که... حالا می‌دانید چه شده آقایی دکتر؟ حالا به بنده می‌گویند: لیبرال! می‌گویند: سازشکار! می‌گویند: آمریکایی!

گفتم: خوب، مستر، ببخشید آقای عزیز، من چکار می‌توانم برایتان بکنم؟

نگاهی بمن انداخت و گفت: مگر شما متخصص القای ایدئولوژی نیستید؟ گفتم: چرا.

گفت: خوب، کاری بکنید.

جک اندرسن، توطئه‌های «سیا» را علیه آنگولا فاش کرد

جک اندرسن، روزنامه‌نگار آمریکایی، در واشنگتن بیست‌فصل کرد که سازمان سیا در سال ۱۹۷۵-۱۹۷۶ علیه انقلابیون آنگولا توطئه‌های بیشرمانه‌ای را سازمان داده بود. به نوشته اندرسن، سازمان «سیا» در این دوره مزدور استخدام میکرد و به آنگولا تحریک کرد.

آنگولا گسیل می‌داشت. سازمان «سیا» رژیم‌نژادپرست آفریقای جنوبی را به تجاوز علیه آنگولا تحریک کرد.